

# مدل‌سازی سیاست‌گذاری اقتصادی مبتنی بر اقتصاد اسلامی در راستای تحقق راهبردهای اقتصادی بیانیه گام دوم انقلاب

سید محمود موسوی<sup>۱</sup>

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

## چکیده

در این مقاله به دنبال مدل‌سازی سیاست‌گذاری اقتصادی در جهت تحقق بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی هستیم. این مقاله کاربردی و از نوع کیفی است. در این مقاله به تبیین آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری اقتصادی و ارائه راهکارهای عملیاتی در جهت اصلاح آنها پرداخته شده است. برای شناسایی عناصر دخیل در عنوان مقاله و بیان روابط بین آنها، از روش «ترکیب متمرکز» به‌عنوان یکی از روش‌های کیفی که در جهت تبیین موضوعات مدنظر مبتنی بر متون به‌کار می‌رود، استفاده شده است. به‌منظور مدل‌سازی تطبیقی اقتصاد تحت تحریم ایران با مبانی اقتصاد اسلامی، از نظریه «تاب‌آوری اقتصادی بریگالو» الگو برداری شده است. بر این مبنای، مدل نظری مقاله بر اساس دسته‌بندی اهداف اقتصادی اسلام طراحی شده است که می‌توان اهداف اقتصادی اسلامی را به سه دسته اهداف عالی، اهداف میانی و اهداف مقدماتی تقسیم کرد. این سه دسته اهداف در طول هم قرار دارند و برای دستیابی به اهداف بالاتر، ناگزیر باید از راه وصول به اهداف مرتبه پایین‌تر آغاز کرد. باتوجه به مدل نظری مقاله، یافته‌های به‌دست‌آمده به این صورت می‌باشد که سیاست‌گذاری اقتصادی در شرایط تحریم به‌منظور رسیدن به اقتصاد مطلوب مدنظر در بیانیه گام دوم انقلاب با رویکرد دستیابی به اهداف اقتصاد اسلامی، باید به دو حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و سیاست‌گذاری اقتصادی تقسیم شود. سیاست‌گذاری فرهنگی شامل دو مؤلفه «سبک زندگی ایرانی-اسلامی» و «فرهنگ جهادی اقتصاد» است و سیاست‌گذاری اقتصادی شامل چهار مؤلفه «رشد اقتصادی»، «عدالت اقتصادی»، «امنیت و ثبات اقتصادی» و «مقاومت اقتصادی» می‌باشد. هریک از مؤلفه‌های مذکور دارای راهکارهای عملیاتی است که مبتنی بر مدل نظری پژوهش در این مقاله طراحی شده است و در متن مقاله به آنها خواهیم پرداخت.

## واژگان کلیدی

سیاست‌گذاری اقتصادی، اقتصاد اسلامی، تاب‌آوری اقتصادی.

۱. استادیار گروه معارف دانشکده امام علی (ع)

## مقدمه

مسئله اقتصاد و توسعه اقتصادی در جهان امروز به یکی از اولویت‌های مهم در سیاست‌گذاری‌های کلان دولت‌ها تبدیل شده است. دو عامل «تغییر سریع اقتصاد جهانی (جهانی‌سازی)» و «خاتمه جنگ سرد»، اهمیت اقتصاد در سیاست بین‌الملل را ارتقا داده و قدرت اقتصادی را از جایگاه ویژه‌ای برخوردار ساخته است. فروپاشی شوروی سابق و شکست نظریه‌های سوسیالیستی نشان داد که دوره رقابت‌های نظامی به سر آمده و اقتصاد با نشان دادن نقش مهم خود در ابعاد گوناگون جوامع بشری، به محوری برای تلاش‌ها، همکاری‌ها، رقابت‌ها و حتی مقابله بین کشورها تبدیل شده است. کشورهای توسعه‌یافته غربی که در طول دوران جنگ سرد و بر اثر کشمکش‌های سیاسی بین دو بلوک، بنیه علمی خود را به‌عنوان پشتوانه‌ای برای رقابت نظامی تقویت کرده بودند، در شرایط جدید نبود رقیب دیرینه، با شدت هرچه بیشتر سرمایه‌ها، منابع و ظرفیت‌های خود را با اتکا به پیشرفت‌های علمی و فناوری‌های ناشی از آن برای تولید محصولات فناورانه و تسخیر بازارهای جهانی در بستر نظام سرمایه‌داری به‌کار گرفتند و روند تولید را علمی کردند. آنها نه تنها اقتصاد خود را به‌صورت بنیادین تقویت کردند و زمینه‌های توسعه آن را فراهم آوردند، بلکه کوشیدند با به‌کارگیری ابزارهای اقتصادی، نفوذ خود را بر دیگر ملل جهان در حوزه‌های گوناگون افزایش دهند.

در اواخر نظام دوقطبی، ظهور نظام انقلابی جمهوری اسلامی ایران، نه تنها به مذاق ابرقدرت‌های وقت خوش نیامد، بلکه حتی پس از فروپاشی شوروی و آغاز دوران یک‌جانبه‌گرایی نظام سلطه، نارضایتی از وجود چنین نظامی در منطقه‌ای راهبردی که از یک سو کانون تحولات سیاسی نظام بین‌الملل بود و از دیگر سو مرکز تمام تلاش‌های نظام سلطه برای سرنگونی نظام نوپای ایران اسلامی و جدا کردن مردم از آن را از شورش‌های محلی و ترور شخصیت‌ها گرفته تا جنگ تحمیلی و جنگ نرم و جنگ اقتصادی با ابزار تحریم، به‌منظور جلوگیری از گسترش آرمان‌های عدالت‌جویانه نظام جمهوری اسلامی ایران بر ضد منافع خود صورت می‌گیرد. بدیهی است که موفقیت این نظام در نیل به اهدافش، او را به الگویی برای دیگر کشورها تبدیل می‌کند و خیزشی عظیم در جوامع تحت ستم را سبب می‌شود. بدین دلیل نظام سلطه به سرکردگی امریکا افزایش فشار اقتصادی و تنگ‌تر کردن



حلقه تحریم‌ها در این حوزه را در کنار ابزارهایی همچون تهاجم فرهنگی و فشارهای سیاسی در دستور کار خود و هم‌پیمانانش قرار داده است.

عامل دیگری که باعث مؤثر شدن فشارهای اقتصادی خارجی می‌شود، خلأ موجود در زمینه طراحی و اجرای نظام جامع اقتصادی مبتنی بر مبانی اسلامی و متناسب با شرایط تحریم است. متأسفانه بعد از انقلاب اسلامی مراکز فکری و ایده‌پردازی و مدیران سیاسی نتوانستند نظام اقتصادی موفق را اجرا کنند و سردرگمی و ناهماهنگی و اختلاف دیدگاه‌ها در این حوزه باعث شده است که نظام اقتصادی کشور با مشکلات عمیق در حوزه‌های مختلف و ساختاری شکننده در حوزه سیاست‌گذاری و اجرا مواجه باشد.

با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب که مقام معظم رهبری ارائه کرده‌اند، فائق آمدن بر مشکلات اقتصادی موجود و رشد و توسعه هم‌زمان آن و حرکت به سمت اقتصادی پویا، مولد قوی در برابر تکانه‌های خارجی و زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی است. اعتماد نکردن به مذاکرات سیاسی با کشورهای معاند و غیرهمسو برای از بین بردن تحریم‌های اقتصادی و لزوم اصلاح مشکلات اقتصادی ناشی از نابسامانی‌های اقتصادی داخلی، از پیش‌فرض‌های این موضوع است.

طبیعی است که در طراحی نظام‌های اجرایی و مدیریتی در هر جامعه‌ای، باید به شرایط فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی آن جامعه توجه ویژه شود و نظام‌های مذکور بر پایه آن ویژگی‌ها طراحی و پیاده‌سازی شوند. لذا در طراحی نظامات اقتصادی جدید باید دقت کرد که مبتنی بر فرهنگ ایرانی و بر اساس مبانی دین اسلام باشد. استفاده از ظرفیت‌های داخلی و توانمندی‌های جامعه ایران در حوزه اقتصادی و تلاش برای تقویت آنها، از اصول اساسی اقتصاد مولد و پویاست. در این مقاله تلاش شده است با آسیب‌شناسی سیاست‌گذاری در حوزه اقتصادی، به راهکارهای عملیاتی برای پیاده‌سازی آن مبتنی بر ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور دست یابیم.

### آسیب‌های موجود در اقتصاد کشور

در این قسمت از مقاله آسیب‌های اقتصادی موجود در اقتصاد نظام جمهوری اسلامی بررسی می‌شود که شامل دو حوزه فرهنگی و اقتصادی است.



## ۱. آسیب‌شناسی فرهنگ اقتصادی

وجود سبک زندگی متفاوت در جوامع مختلف به دلیل وجود فرهنگ‌های متفاوت، باعث می‌شود مردم کشورهای مختلف رفتارهای متفاوتی در حوزه‌های گوناگون زندگی از خود نشان دهند. سبک زندگی در تمام کنش‌ها و رفتارهای فرد و در تعاملات و ارتباطات آنها با دیگران، طبیعت و به‌طور کلی محیط اجتماعی اطراف مطرح می‌شود. به‌نوعی می‌توان گفت سبک زندگی افراد نشان‌دهنده هویت آنهاست. باتوجه‌به اینکه دین عنصر جهت‌دهنده جهان‌بینی نگرش‌ها و باورهای افراد است، نقش مهمی در شکل‌دهی سبک زندگی افراد دارد (سیدی، ۱۳۹۱: ۲۰). سبک زندگی ترجیحات انسان در مقابل گزینه‌های مختلف را نشان می‌دهد. بنابراین در جامعه دینی اگر انگیزه‌های دینی قوی باشند، افراد در راستای تعالیم دین گزینه‌های مناسب را انتخاب می‌کنند. در جامعه ایران به‌رغم وجود انگیزه‌های دینی، شاهد برخی رفتارهای غلط اقتصادی هستیم که برگرفته از فرهنگ غربی است و سنخیتی با فرهنگ اسلامی ندارد.

بررسی اندیشمندان و پژوهشگران رفتارشناسی اقتصادی درباره رفتارهای اقتصادی مردم ایران نشان می‌دهد فرهنگ ایرانیان از الگوهای غلط اقتصادی رنج می‌برد؛ از جمله: ۱. تغییر الگوی اقتصادی خانواده‌ها از تولیدمحوری به مصرف‌گرایی؛ ۲. خلق نیازهای جدید کاذب توسط رسانه‌ها و وابستگی به تولیدات خارجی؛ ۳. اصرار بر مصرف کالاهای خارجی؛ ۴. اصرار بر مصرف کالاهای لوکس؛ ۵. مصرف‌گرایی و گذران زندگی با درآمد آینده؛ ۶. مصرف درآمد به جای تولید ثروت؛ ۷. ذخیره‌سازی طلا به‌عنوان سرمایه و ضرر به کل اقتصاد؛ ۸. نبود الگویی منسجم از آموزه‌های اقتصادی مستخرج از شریعت؛ ۹. ناآشنایی با دستورهای دین و ضعف بنیادهای اعتقادی در حوزه اقتصاد.

## ۲. آسیب‌شناسی ساختار اقتصاد ملی و عملکرد اقتصادی

### فضای کسب‌وکار

در تعریف فضای کسب‌وکار گفته‌اند «فضای کسب‌وکار شامل مجموعه هنجارها و قواعد رفتاری، شیوه‌های تثبیت‌شده در نظام اقتصادی-اجتماعی از جمله قوانین و مقررات، حقوق مالکیت، سیاست‌گذاری دولت و سازکار اقتصادی است» (تاری، ۱۳۸۶: ۷۴). وضعیت



فعلی فضای کسب و کار حاکی از نقش گسترده دولت در اقتصاد و تثبیت فضای کسب و کار دولتی (نظام دولت سالاری در جامعه) است که پیامد آن عبارت است از: گسترش هزینه های دولت و افزایش سهم ایران در تولید ناخالص داخلی؛ گسترش فعالیت بنگاه های اقتصادی وابسته به دولت و نامساعد کردن فضای کسب و کار برای بخش خصوصی و در نتیجه بدهی این بنگاه ها و مؤسسات دولتی به نظام بانکی از عوامل اصلی و پایه پولی و ایجاد تورم است؛ سیاست های حمایتی دولتی از این بنگاه ها موجب انحصار و کاهش کارایی، افزایش هزینه های تولید و در نتیجه کاهش بهره وری و محدود سازی زمینه فعالیت بخش خصوصی می شود؛ نقش پذیری گسترده دولت در اعمال تصدی موجب ناکارایی اقتصادی و در نتیجه عدم حکمرانی خوب و رشد محدود تولید ناخالص داخلی شده است. پیامد چنین وضعیتی «اشتغال زایی کم» و «پایین بودن بهره وری» و «بالا رفتن هزینه های تولید» بوده است. برداشت نادرست درباره فناوری در کشورهای در حال توسعه یکی از موانع توسعه تلقی می شود (iran economic monitor towards reintegration 2017، ص ۵۸-۶۰).

### اقتصاد دانش بنیان

در اقتصاد مبتنی بر دانش معمولاً نوآوری اقتصادی و تعامل بنگاه ها با یکدیگر در فضای مبادله ای کارآمدتری صورت می گیرد. یکی از شاخص های اقتصاد مبتنی بر دانش افزایش تقاضا برای نیروی کار ماهر و متخصص است؛ یعنی تقاضا برای کارگرانی که بتوانند با دانش طبقه بندی شده کار کنند بدیهی است. فرایند تولید تأثیر پذیری زیادی از سطح دانش پایگی اقتصاد دارد (ناظمیان و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۲). بررسی شاخص ها نشان می دهد که شکاف عمیق شاخص های دانایی بین ایران و کشورهای پیشرفته وجود دارد. فاصله ایران با کشورهای تازه صنعتی شده در زمینه سرمایه انسانی، محدودتر از زمینه تحقیق و توسعه است؛ اگرچه وضعیت کشور به لحاظ دستیابی به فناوری اطلاعات مناسب تر ارزیابی می شود. در ایران نیروهای متخصص در مراکز دانشگاهی آموزش داده می شوند. به دلیل ارتباط ضعیف بین بخش دانشگاهی و مراکز تحقیق و توسعه نیروها توانمندی لازم با تخصص های مورد نیاز برای تحقیق و توسعه، اندیشه های نوآورانه از آزمایشگاه به مرحله تولید ثروت با چالش های جدی روبه روست. درباره متغیر هزینه های تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی، مقایسه ایران با کشورهای توسعه یافته گویای کوچک



بودن پتانسیل‌های ذخیره‌شده برای تحول تکنولوژیک است. به عبارتی سرمایه‌گذاری بخش پژوهش در ایران برای ایجاد تحول تکنولوژیکی ناچیز است و نمی‌توان انتظار امواج پی‌درپی تحولات تکنولوژیک را داشت، بلکه می‌توان گفت این هزینه‌ها در بیشتر موارد صرف تقلید تکنولوژی، انتقال دانش فنی بهبود کیفیت محصول فعلی برای از دست ندادن بازار با وجود انواع محصولات جدید وارداتی می‌شود (باصری، ۱۳۹۰: ۹).

### نهاد دولت و بخش عمومی

اندازه دولت در اقتصاد ایران طی چند دهه اخیر متأثر از افزایش قیمت جهانی نفت، انقلاب، جنگ، بازسازی پس از جنگ و رشد قیمت‌ها، دستخوش نوساناتی بوده است؛ به خصوص وابستگی منابع مالی دولت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام در این دوره، تأثیر مستقیمی بر ایجاد ساختار دولتی اقتصاد و گسترش اندازه دولت داشته است. هم‌زمان نوسانات یا تکان‌های جهانی قیمت نفت نیز اسباب بی‌ثباتی اقتصاد و تجدید مداخلات دولت در اقتصاد ایران را فراهم کرده است (بازمحمدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۱).

پس از انقلاب به دلیل گسترش بخش دولتی و عمومی و تمرکز شدید صنایع همراه با سایر مشکلات مانند جنگ هشت‌ساله، اغلب صنایع فضای مطلوبی برای اجرای مدیریت صحیح نداشته‌اند به دلیل تراز منفی قالب شرکت‌های صنعتی و دولتی غالباً قابل‌واگذاری در بورس نیز بوده‌اند. قدرت دولت و بخش عمومی موجب می‌شود این بخش‌ها از غیرشفاف بودن وضعیت نهادهای پولی و بازار سرمایه به نفع خود و به زیان بخش خصوصی استفاده کنند و نوعی ازدحام مالی به وجود بیاورند. این ازدحام به نوبه خود منابع مالی در دسترس بخش خصوصی را به شدت ضعیف می‌کند و علاوه بر آن شفاف نبودن بازار سرمایه، مدیران بخش عمومی و دولتی را نیز به پاسخ‌گویی تشویق نمی‌نماید. پس از انقلاب به دنبال مصادره و ملی شدن بسیاری از شرکت‌های خصوصی، شمار این شرکت‌ها افزایش یافت. اگر حمایت دولت از این شرکت‌ها قطع و یارانه‌های آنها حذف شود، به احتمال بسیار زیاد اکثر این شرکت‌ها ورشکست خواهند شد. بار عظیم این شرکت‌ها بر دوش دولت و درنهایت مردم است که در کنار ناکارآمدی و حیف‌ومیل اموال و انحصارطلبی، موجب گرانی و کیفیت پایین کالاها و خدمات عرضه‌شده می‌شوند (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۶۹).



بررسی وضعیت بودجه دولت در اقتصاد ایران، حاکی از عدم تعادل در این بودجه به خصوص کسری بودجه دولتی یکی از ویژگی های اقتصاد بخش عمومی کشور است. به عبارتی در اقتصاد ایران دولت همواره بر سیاست کسری بودجه و تأمین آن از سیستم بانکی متکی بوده است (با اطلاع از ناکافی بودن درآمدها، برای تأمین مخارج همواره به استقراض از سیستم بانکی به عنوان منبع درآمد چشم دوخته است). برای محاسبه میزان کسری بودجه در اقتصاد ایران اختلاف بین درآمدها و پرداخت های ارزی، انحصارات و مالکیت دولت، فروش کالا و خدمات، بهره دریافتی بابت وام های پرداختی دولت به خارج و... دیده می شود و در طرف مخارج پرداخت های جاری، پرداخت های سرمایه گذاری، کمک های بلاعوض و... مشاهده می شود (<http://www.cbi.ir/simplelist/2054.aspx>).

### بازارهای پولی و مالی

نقدینگی یکی از عوامل مؤثر بر تولید، اشتغال و تورم است. مبانی نظری موجود در ادبیات اقتصادی، بر تأثیر کوتاه مدت حجم نقدینگی بر تولید و اشتغال و بر اثرگذاری بلندمدت آن بر تورم دلالت دارد. نقدینگی خود متأثر از میزان پایه پولی و ضریب فزاینده پولی است، که هر یک از اجزای مختلف تشکیل شده است. در حال حاضر در ایران رشد بالای نقدینگی و بی ثباتی آن، تبدیل به یکی از دغدغه های سیاست گذار پولی شده است (Ibid)؛ هر چند بررسی روند رشد نقدینگی حاکی از رشد فزاینده و بی ثبات نقدینگی بوده و سیاست گذار پولی نیز عمدتاً در کنترل رشد نقدینگی و انضباط بخشی در بازار پولی ناموفق بوده است؛ به طوری که می توان گفت سیاست گذاری پولی در به کارگیری کارآمد ابزار در اختیار مقام پولی ناتوان است. انتظار می رود در شرایطی که نقدینگی در اقتصاد زیاد است، بنگاه های اقتصادی با مشکل تولید مواجه نباشند؛ اما بررسی وضعیت تولیدی کشور نیز متأسفانه از رکود شدید بنگاه های اقتصادی حکایت دارد. بنابراین می توان به تناقض رشد بالای نقدینگی در اقتصاد و مشکل کمبود نقدینگی بنگاه های تولیدی و از طرفی رکود اقتصادی حاکم بر اقتصاد ایران اشاره کرد.

یکی از مسائل مهمی که در بررسی وضعیت اقتصادی کشور مطرح است، ثبات در اقتصاد ملی آن کشور است. به منظور رسیدن به ثبات اقتصادی، نظام مالی نقش کلیدی و بسیار



مهمی را برعهده دارد. به منظور رسیدن به ثبات اقتصادی در سیستم مالی، علاوه بر بازار سرمایه، بانک‌ها، شرکت‌های بیمه و سایر مؤسسات و زیرساخت‌های مالی که پیکره سیستم مالی را تشکیل می‌دهند، می‌توانند از طریق فراهم‌آوری ابزارهای مفید مالی و مدیریت مؤثر، به ریسک مردم در مقابل تأثیر شوک‌های بد و استفاده بهتر از فرصت‌های به‌وجودآمده کمک کنند و مفید واقع شوند. با بررسی بازار مالی ایران شامل بازار پول و سرمایه، نتایج حاکی از عدم موفقیت این بازار در جهت مهم‌ترین کارکرد این بازار یعنی تأمین مالی پروژه‌های سرمایه‌گذاری واحدهای تولیدی بوده است.

سیاست‌های پولی اعمال‌شده در سال‌های گذشته هیچ‌سختی با تولید و بخش‌های کلان اقتصادی کشور نداشته‌اند و طبیعتاً در راستای حمایت از تولید و ارتقای تولید ملی نبوده‌اند. در چنین شرایطی طبیعی است که شاهد هجوم فعالیت‌های بانکی کشور به‌ویژه بانک‌های خصوصی به سمت وسوی فعالیت‌های سوداگرانه باشیم.

### سیستم بانکی کشور

بانک مهم‌ترین عنصر تأثیرگذار در معادلات اقتصادی کشور است. سازگار و قوانین حاکم بر بانک‌های کشور نشان‌دهنده نقص و ضعف جدی در این عرصه است. مشکلات حاکم بر نظام بانکی کشور به این قرار است: ۱. تشدید بنگاهداری بانک‌ها؛ ۲. فعال شدن بانک‌ها در بازارهای غیرمولد؛ ۳. تسهیلات تکلیفی دولت؛ ۴. پرداخت سود به سپرده‌های کوتاه‌مدت؛ ۵. مطالبات مشکوک‌الوصول؛ ۶. رکود در بازار مسکن؛ ۷. ضعف سیستم نظارتی؛ ۸. بدهی بزرگ دولت به بانک‌ها (ابونوری، ۱۳۹۲: ۵۱).

### نظام مالیاتی کشور

نظام مالیاتی ایران تاکنون نتوانسته است نقش خود را در توسعه اقتصادی کشور به‌خوبی ایفا کند و همواره از کاستی‌ها و موانعی رنج برده که مانع ایفای نقش آن شده است. در ادامه نمونه‌هایی از این موانع ذکر می‌شود: ۱. ترکیب نامناسب تولید ملی و توزیع درآمد در کشور؛ ۲. سهم بالای بخش‌های معاف از مالیات (محدود بودن پایه‌های مالیاتی)؛ ۳. حجم نسبتاً بالای اقتصاد غیررسمی؛ ۴. ظرفیت‌ها و موانع موجود قانونی نظام مالیاتی (قوانین و مقررات مالیاتی) (دادگر، ۱۳۹۲: ۱۷، ۲۲ و ۲۶).





## وابستگی اقتصاد کشور به نفت

نقش نفت در اقتصاد ایران عملکردی دوگانه داشته است: نفت از یک سو سرمایه لازم برای نوسازی و توسعه کشور را فراهم آورده و به ایران اجازه داده است آهنگ توسعه اقتصادی و اجتماعی خود را تسریع کند؛ از سوی دیگر، با وابسته کردن اقتصاد سیاسی به مقتضیات کشورهای واردکننده نفت، تضعیف سیستم مالیات دولت و تعمیق جدایی بین نهاد دولت و جامعه مدنی، ایجاد بخش‌های شبه‌دولتی که جای‌گزین بخش خصوصی واقعی شده‌اند و شدیداً وابسته به درآمدهای مستقیم و غیرمستقیم نفت هستند، تقویت سلطه دولت بر اقتصاد، ایجاد مناسبات رانتی، تضعیف انگیزه کار و خلاقیت بخش خصوصی، ترویج مصرف‌گرایی با حفظ توان وارداتی، فساد اداری-اقتصادی، سست کردن انضباط مالی دولت، تشدید موج‌های تورمی اقتصاد، ایجاد صنایع ناکارآمد، تضعیف تولیدات داخلی، آهسته کردن نرخ رشد اشتغالی و تشدید نابرابری توزیع درآمد و شکاف طبقاتی ناشی از رانت، به صورت مانعی در برابر توسعه بهنجار و پایدار کشور عمل کرده و قدرت بین‌المللی دولتمردان را کاهش داده و به اقتدار اقتصادی-سیاسی جمهوری اسلامی سایه افکنده است؛ به طوری که تحریم‌های گسترده اقتصادی، سیاسی، بیمه‌ای، بانکی و بانک مرکزی نشان‌دهنده کاهش قدرت چانه‌زنی بین‌المللی و سهم ناچیز ایران در تجارت غیرنفتی جهان است؛ تا آنجا که این کاهش سهم به بازار نفت و گاز نیز سرایت کرده است (شاکری، ۱۳۹۵: ۹۶-۱۰۷). به دلیل ویژگی تک‌محصولی بودن اقتصاد ایران و وابستگی به خام‌فروشی، استقلال سیاسی ایران شدیداً تهدید شده است؛ زیرا محصولات خام صنعتی که دارای پیچیدگی تکنولوژیکی خاصی نیستند، به سادگی تحریم می‌شوند و سیاست‌مداران ایران برای رفع تحریم، مجبور به دادن امتیازات سنگین‌اند.

پنج چالش اساسی وابستگی درآمدهای دولت به نفت عبارت‌اند از:

۱. قیمت و میزان صادرات نفت دارای نوسان است و هر دو خارج از کنترل ماست. بنابراین باعث نوسان درآمدهای ارزی و در نتیجه چالش سیاست‌گذاری‌های اقتصادی ما می‌شود؛
۲. مصرف درآمدهای نفتی در بودجه جاری به عوض سرمایه‌گذاری (به عوض تبدیل سرمایه راکد به سرمایه فعال)؛



۳. جدا شدن دولت از مردم و تشدید خصلت مطلق‌گرایی، چون دولت تأمین‌کننده منابع جامعه شده است، به عوض اینکه محتاج درآمد از تولید مردم باشد؛
۴. نوع قراردادهای نفتی به‌ویژه ملی و دقت نکردن در نحوه انعقاد قراردادها؛
۵. قیمت‌گذاری نامناسب داخلی موجبات اتلاف منابع و آلودگی محیط زیست می‌شود (عظیمی، ۱۳۸۵: ۲۶۰).

### نظریه تاب‌آوری اقتصادی بریگاگیو

وجود چالش‌ها و نقص‌ها در ساختار و قوانین اقتصاد داخلی، زمینه‌های تأثیرگذاری فشارهای اقتصادی کشورهای متخاصم را فراهم می‌کند. به بیان دیگر کشورهای متخاصم از زمینه‌های منفی موجود در اقتصاد کشور استفاده می‌کنند و برای اثرگذاری بیشتر بر شاخصه‌های ناقص و بحرانی اقتصادی کشور، فشارهای اقتصادی وارد می‌سازند. لذا مهم‌ترین راهکار مقاومت در برابر فشارهای اقتصادی خارجی، تقویت اقتصاد داخلی است. بریگاگیو برای تئوریزه کردن این مفهوم، نظریه‌ای با عنوان «تاب‌آوری اقتصادی» مطرح کرده، که در این مقاله برای مدل‌سازی سیاست‌گذاری در حوزه اقتصاد به منظور فائق آمدن بر فشارهای اقتصادی خارجی و درعین حال رشد و پیشرفت اقتصادی، از این نظریه استفاده شده است.

بریگاگیو از اصطلاحی به نام «تاب‌آوری اقتصادی»<sup>۱</sup> برای اشاره به توان سیاست‌ساخته یک اقتصاد برای بهبود (یا انطباق با) آثار تکانه‌های برون‌زای مخالف استفاده کرده است. وی می‌گوید که تاب‌آوری اقتصاد عبارت است از آنکه اقتصاد در برابر تکانه‌های خارجی و خطرناک خود را بازیابی و در برابر تأثیرات آن مقاومت کند (Briguglio and Piccinino, 2011: 2). تاب‌آوری اقتصاد عبارت است از توانایی اقتصاد ملی برای کاهش آثار بحران، انتقال تأثیرات بحران و بازیابی سریع بعد از بحران. تاب‌آوری اقتصاد به توانایی‌های اقتصاد برای بازیابی و تنظیم تأثیرات منفی تکانه‌های خارجی و بهره‌گیری از فرصت‌های آن اطلاق می‌شود (Briguglio et al, 2008: 2). بریگاگیو بیان می‌دارد که اصلاح تاب‌آوری اقتصادی، به دو مفهوم به‌کار می‌رود: توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از تکانه‌های اقتصادی تخریب‌کننده خارجی؛ توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این تکانه‌ها. متغیرهای اصلی تاب‌آوری

۱. مفهوم تاب‌آوری در ادبیات رایج اقتصادی با واژه انگلیسی Resilience مترادف است که در ترجمه این واژه به فارسی صاحب‌نظران واژه‌های مختلفی همچون فنریت، انعطاف‌پذیری، جهندگی و نظایر آن را به‌کار برده‌اند. در مقاله حاضر واژه تاب‌آوری را به جای این مفهوم انگلیسی استفاده کرده‌اند.



اقتصاد عبارت‌اند از: متغیرهای اقتصادی که توسط پایداری اقتصادی کلان، کارایی اقتصاد، متغیرهای اجتماعی-سیاسی که توسط حکمرانی سیاسی خوب و توسعه اجتماعی بررسی می‌شوند (Briguglio and Piccinino, 2011: 3-9).

## ۱. پایداری اقتصادی کلان

پایداری اقتصادی کلان مرتبط با تاب‌آوری اقتصادی در ارتباط مستقیم با واکنش میان نیاز داخلی و تولید داخلی آن اقتصاد است. اگر اقتصادی در حالت تعادل با تولید داخلی باشد، دارای توازن داخلی است. از طرفی موقعیت خوب مالی و اقتصادی به همراه نرخ پایین تورم و بیکاری به‌عنوان توازن داخلی و توازن خارجی توسط بدهی‌های خارجی دولت به‌عنوان شاخص‌های تبادلی اقتصاد کلان معرفی می‌شوند. این عوامل به‌عنوان متغیرهایی که شدیداً سیاست‌های اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند شناخته می‌شوند. مؤلفه پایداری و تاب‌آوری اقتصادی کلان با سه عامل که عبارت‌اند از نرخ سود مالی نسبت به تولید ناخالص داخلی، مجموعه نرخ‌های تورم و بیکاری و نرخ بدهی نسبت به تولید ناخالص داخلی قابل اندازه‌گیری است. نرخ سود مالی نسبت به تولید ناخالص داخلی اساسی در ارتباط با مقاومت در برابر تکانه مطرح است و ابزاری مناسب برای دولت‌ها در جهت تاب‌آوری اقتصاد و تنظیم سیاست‌های دولتی است. در این موارد دولت‌ها با تنظیم سیاست‌های مالیاتی و سیاست‌های مصرف مناسب آن، خود را در برابر تکانه‌های مازاد مقاوم می‌کنند. نرخ‌های تورم و بیکاری نیز به‌عنوان عوامل اصلی در تعیین تاب‌آوری اقتصاد مطرح‌اند. اگر اقتصادی از سطوح بیکاری و تورم نسبتاً بالایی برخوردار باشد، هزینه‌های سنگینی را از تکانه‌های اقتصادی متحمل خواهد شد و اگر دارای سطوح پایین تورم و بیکاری باشد، به‌راحتی می‌تواند در برابر تکانه‌های اقتصادی مقاومت کند. در این حالت بیکاری و تورم به‌عنوان عوامل اصلی در ماهیت جذب و دفع تکانه‌های اقتصادی مطرح است. مجموع نرخ بیکاری و تورم به‌عنوان دو عامل اصلی رکود اقتصادی در فهرست عوامل تأثیرگذار در تاب‌آوری اقتصاد مطرح است.

## ۲. کارایی اقتصاد

اگر اقتصادی بتواند در برابر تکانه‌های اقتصادی وارد شده به آن خود را به تعادل برساند، خطرپذیری کمتری نسبت به حالتی که بخواهد در برابر آن مقاومت کند خواهد داشت. به عبارتی اقتصاد در تنظیم تعادل خود اگر بسیار کم و غیرطبیعی عمل کند، گاه نمی‌تواند از منابع موجود خود برای مقاومت در برابر تکانه‌ها استفاده کند و در نتیجه هزینه‌های مالی سنگینی را متحمل خواهد شد. برای مثال استفاده نامناسب یا نادیده گرفتن ظرفیت‌ها و منابع در برابر تکانه‌های وارد شده، باعث هدر رفتن یا کمبود ظرفیت‌های اقتصادی خواهد شد. یکی از مؤلفه‌های اصلی کارایی اقتصادی، بهره‌گیری از آزادی اقتصاد به‌عنوان عملکرد آزادانه اقتصادها به‌طور رقابتی و مناسب میان کشورهاست. برای مثال محدودیت‌هایی که توسط مقررات باعث کاهش رقابت و عملکرد اقتصاد تنظیم شوند باعث محدودیت در کارایی اقتصادی می‌شوند و در نتیجه رقابت و عملکرد اقتصاد را کاهش می‌دهند. این مقررات دست‌وپاگیر به تأخیر در تجارت و تحمیل قیمت‌های اجباری نشده می‌انجامد و بخش خصوصی را تضعیف می‌کند و احتمال کاهش تکانه‌ها را از بین می‌برد. در مواردی بیکاری زیاد، محدودیت‌های بیش‌ازحد در قوانین بازنشستگی، درآمدهای کم و اعمال قوانین دستمزد کار از سوی دولت‌ها نیز قابلیت‌های اقتصاد برای مقاومت در برابر تکانه‌ها را می‌کاهد و محدود می‌کند.

## ۳. متغیرهای سیاسی-اجتماعی

حکمرانی سیاسی خوب برای عملکرد سیستم اقتصادی در چهارچوب تاب‌آوری اقتصادی الزامی است. حکمرانی خوب در اجرای قوانین و رعایت حقوق شخصی است، که در صورت رعایت نشدن بر اثر اعمال تکانه‌های اقتصادی، جامعه درگیر هرج‌ومرج می‌شود و قابلیت مقاومت در برابر تکانه‌ها را از دست می‌دهد. توسعه اجتماعی نیز با ارتباط درونی جامعه، رشد و توسعه‌یافتگی مناسب برای کارکرد مناسب اقتصادی تعریف می‌شود و عوامل اصلی این دو با میزان سواد و سلامت یا به‌عبارتی توسعه انسانی تعیین می‌شود.



#### ۴. خطرپذیری اقتصادی

نگاه دیگر این رهیافت آن است که تخریب شدن اقتصاد بر اثر تکانه‌های خارجی، از دو عامل تأثیر می‌گیرد: اول میزان آسیب‌پذیری ذاتی اقتصاد کشور، دوم توان روبه‌رو شدن اقتصاد با تکانه‌های خارجی یا تاب‌آوری اقتصادی. تفاوت این دو میزان ریسک کشور را تعیین خواهد کرد (Briguglio, 2005: 5).

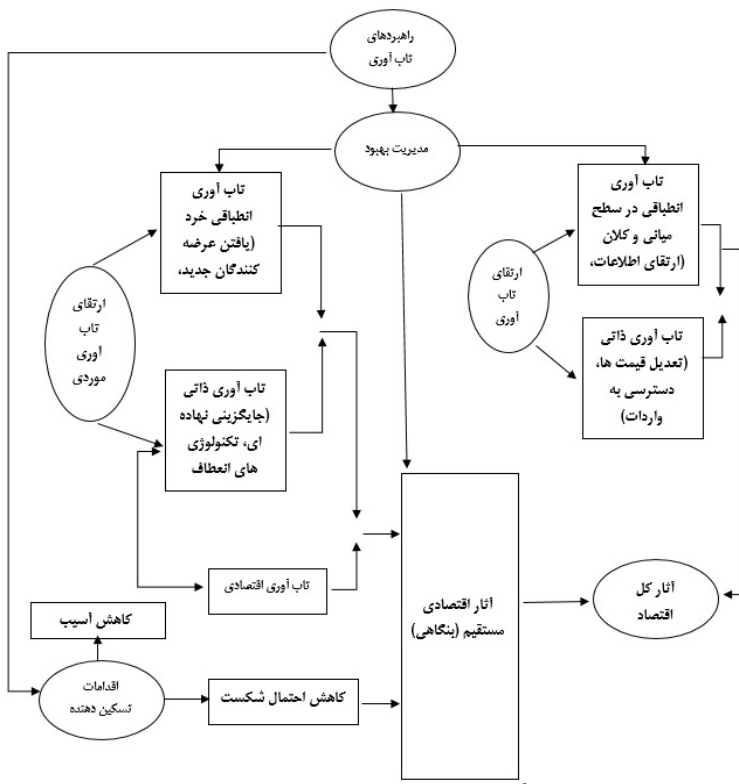
جدول ۱: خطرپذیری در اقتصاد

آسیب‌پذیری (ذاتی)	تاب‌آوری (پرورش‌یافته)	خطرپذیری اقتصادی
یک اقتصاد از تکانه‌های خارجی ناشی از خصوصیت ذاتی اقتصادی که ربطی به سیاست‌گذاری اقتصادی با دولت ندارد. باز بودن اقتصاد، تمرکز صادراتی، وابستگی به واردات راهبردی	توانایی اقتصاد برای ایستادگی با توان رد کردن تکانه‌های خارجی که بر اثر سیاست‌گذاری اقتصادی و توسط دولت ایجاد می‌شود: حکمرانی خوب، مدیریت کلان، اقتصاد خوب، کارایی بازار، انسجام اجتماعی	

در این شکل همان‌طور که ملاحظه می‌فرمایید ارتباط میان تاب‌آوری و آسیب‌پذیری ذاتی نشان داده شده است. اگر اقتصاد درگیر حل مشکلات عمده باشد، توانایی مقابله با تکانه‌ها به‌طور نسبی کاهش می‌یابد و اگر از ابزارهای سیاسی متناسب برای جداسازی مشکلات اقتصادی داخلی از آثاری که تکانه‌ها اعمال می‌کند استفاده مناسب ببرد، این قابلیت و توانایی افزایش خواهد یافت. این توانایی ارتباط مستقیم با جذب تکانه، خنثی کردن و صرف‌نظر کردن از آثار اعمالی توسط تکانه‌هاست. اگر اقتصاد سازکارهایی برای کاهش تأثیر تکانه داشته باشد، باعث افزایش توانایی مقابله با تکانه می‌شود. برای مثال نیروی انحراف‌پذیر داخلی چندمهارتی به‌عنوان ابزار جذب تکانه استفاده می‌شود. تحریم‌ها و تکانه‌های خارجی معمولاً در بخش ویژه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی اثر می‌گذارند، که اقتصاد باید قابلیت ترکیب منابع و ظرفیت‌ها را توسط بخش‌های دیگر مورداستفاده مناسب قرار دهد تا به جذب تکانه و مقاومت در برابر آن و سپس میرا کردن آن پردازد (Aiginger, 2016: 42).

## راهبردهای تاب‌آوری اقتصادی

دو راهبرد تاب‌آوری اقتصادی شامل مدیریت بهبود و اقدامات تسکینی است. هر دو راهبرد ممکن است تاب‌آوری اقتصادی ذاتی را ارتقا دهند. تاکنون هیچ‌یک از آن دو بر دیگری ترجیح داده نشده است. اقدامات تسکینی نوعاً برای کاهش احتمال شکست و نیز کاهش آسیب‌پذیری از طریق ارتقای مقاومت اقتصادی عمل می‌کند. مدیریت بهبود معمولاً در جهت فراهم‌سازی کمک‌های جانبی به بنگاه‌ها و خانوارهایی که از شرایط پیش‌آمده متأثر شده‌اند و نیز کاهش زمان بهبود عمل می‌کند. بخش اول مدیریت بهبود (یعنی اقدامات کمکی جانبی) با تاب‌آوری اقتصادی سازگاری ندارد؛ زیرا تاب‌آوری اقتصادی بر خودتکایی گروه‌های اجتماعی در مفهوم گسترده‌تری از توانایی پایداری تأکید دارد. با وجود این، رهیافت کاهش زمان بهبود نقش کلیدی در توسعه مفهوم تاب‌آوری اقتصادی برای دربرگرفتن عناصر پویاتر دارد (Aiginger, 2016: 39).



شکل ۱: راهبردهای تاب‌آوری اقتصادی (آیگینگر، ۲۰۱۶)



## آسیب‌پذیری اقتصادی و تکانه‌های اقتصادی

آسیب‌پذیری اقتصادی به معنای خطر آسیب دیدن یا مجروح شدن اقتصاد از طریق وقایع پیش‌بینی نشده و تکانه اقتصادی بروز این وقایع پیش‌بینی نشده است. خطر آسیب‌پذیری معنای بالقوه دارد: «آن چیزی که بالقوه اقتصادها را در برابر تکانه‌ها آسیب‌پذیر می‌کند.» بر همین اساس، تکانه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند (خادمی، ۱۳۸۷: ۱۱۸):

۱. تکانه‌های محیطی، مانند بلایای طبیعی، سیل، طوفان و زلزله؛
  ۲. تکانه‌های خارجی: موارد مرتبط با نرخ ارز و تجارت (کاهش تقاضای خارجی، بی‌ثباتی قیمت‌های کالاهای جهانی و...)
  ۳. تکانه‌های داخلی: معمولاً از طریق بی‌ثباتی یا به‌طور کلی تغییرات سیاستی پیش‌بینی نشده ایجاد می‌شود (تغییر ناگهانی عرضه پول، تغییر نرخ بهره بانکی، تغییر ریسک‌پذیری و...).
- محورهای چهارگانه تاب‌آوری اقتصادی  
بریگاگلیو چهارچوبی را برای سنجش تاب‌آوری اقتصادی پیشنهاد کرده که شامل چهار عامل اساسی است: (Briguglio et al, 2008: 12):

### ۱. ثبات اقتصاد کلان

ثبات کلان اقتصادی بدان دلیل به تاب‌آوری اقتصادی مربوط است که هنگام وارد شدن تکانه اقتصادی منفی به اقتصاد، اگر کلان از نظر ثبات در وضعیت ضعیفی باشد، جای زیادی برای مانور وجود ندارد. بنابراین سیاست‌های پولی و مالی در بسیج منابع کاربردی نخواهند بود تا اقتصاد را از آثار چنین تکانه‌هایی حفظ کنند. به عبارت دیگر سیاست مناسب کلان اقتصادی برای سیاست‌های پولی و مالی این فرصت را فراهم می‌آورد که به تکانه‌ها پاسخ دهند. بریگاگلیو سه متغیر را برای سنجش تاب‌آوری اقتصادی از جهت ثبات اقتصاد کلان پیشنهاد می‌دهد. این سه شاخص نسبت کسری مالی به تولید ناخالص داخلی، مجموع نرخ‌های تورم و بیکاری و نسبت کسری خارجی به تولید داخلی است. پایداری اقتصاد کلان در ارتباط با واکنش میان نیاز داخلی اقتصاد و پشتیبانی است. این پایداری به توازن داخلی میان نیازهای داخلی مانند تورم هزینه‌ای، نرخ بیکاری و توازن خارجی که درباره بدهی‌های خارجی دولت‌هاست تقسیم‌شدنی است. برای مثال اگر اقتصادی دارای سطوح بالای تورم



و بیکاری باشد، قابلیت جذب تکانه‌ها را ندارد و به سرعت ناپایدار خواهد شد؛ اما اگر نرخ بیکاری و تورم پایین باشد، قابلیت جذب تکانه و ایجاد تعادل داخلی را خواهد داشت. بدهی خارجی باعث کاهش قابلیت جذب یا مقابله با تکانه است.

## ۲. کارایی بازارهای خرد

کارایی بازار خرد برای هر اقتصادی در برخورد با آثار منفی تکانه‌ها از طریق قادر کردن اقتصاد به بازتخصیص منابع به استفاده‌های جای‌گزین، اهمیت اساسی دارد. بریگاگلیو به‌عنوان یک جانشین برای کارایی بازاری، قسمتی از شاخص جهانی آزادی اقتصادی را که تنظیم اعتبار، کار و بازرگانی است قرار می‌دهد. این شاخص میزانی را می‌سنجد که بازارها آزادانه، رقابتی و با کارایی میان کشورها حمل می‌کنند. این شاخص برای این منظور معرفی شده است که تأثیر محدودیت‌های تنظیمی و رویه‌های بوروکراتیک روی رقابت و عملیات بازار را اندازه‌گیری کند. این شاخص بر کارایی بازار مالی و بازار کار و نیز درجه کنترل بوروکراتیک و کنترل تجاری متمرکز شده است. این کارایی به چهار مورد به‌عنوان شاخصه‌های اساسی اشاره دارد:

۱. صنعت بانک‌داری توسط بخش خصوصی اداره شود؛

۲. بانک‌داری خارجی اجازه رقابت در عرصه اقتصاد را داشته باشند؛

۳. اعتبار و منابع لازم در اختیار بخش خصوصی قرار گیرد؛

۴. کنترل دولتی روی نرخ قیمت‌ها با بخش اقتصاد اعتباری تداخل پیدا نکند.

تمام موارد فوق متناسب و در ارتباط با میزان دخالت دولت‌ها در اقتصاد است که به کاهش تاب‌آوری و عکس‌العمل اقتصاد در برابر تکانه‌ها می‌انجامد. اقتصاد کارگری و ارتباط آن با تاب‌آوری اقتصاد که شامل مزایای بیکاری شدید، مقررات بازنشستگی، دستمزدهای پایین، اعمال مقررات نرخ‌گذاری و دستمزد به‌طور متمرکز و خدمات اجباری است، باعث کاهش توانایی‌های کشور برای بازیابی اقتصادی خود در برابر تکانه‌های اعمال شده است. اگر دولت‌ها به نهادهای تجاری خود اجازه بدهند تا دستمزدها و شرایط بازنشستگی را تعیین کنند و از استخدام‌های بی‌رویه جلوگیری شود، باعث افزایش قابلیت جذب تکانه‌ها خواهد شد. کنترل شدید و مقررات روی فعالیت‌های تجاری، باعث کاهش رقابت و عملکرد مناسب بخش خصوصی خواهد شد. وقتی قیمت‌ها در بازار تعیین نشده باشد و دولت‌ها از قدرت





سیاسی خود جهت اعمال پرداخت‌های اقتصادی و جایزه دادن به اقتصادهای پرهزینه به کاهش رقابت و روحیه بخش خصوصی بپردازند، ظرفیت جذب تکانه را از بین خواهند برد.

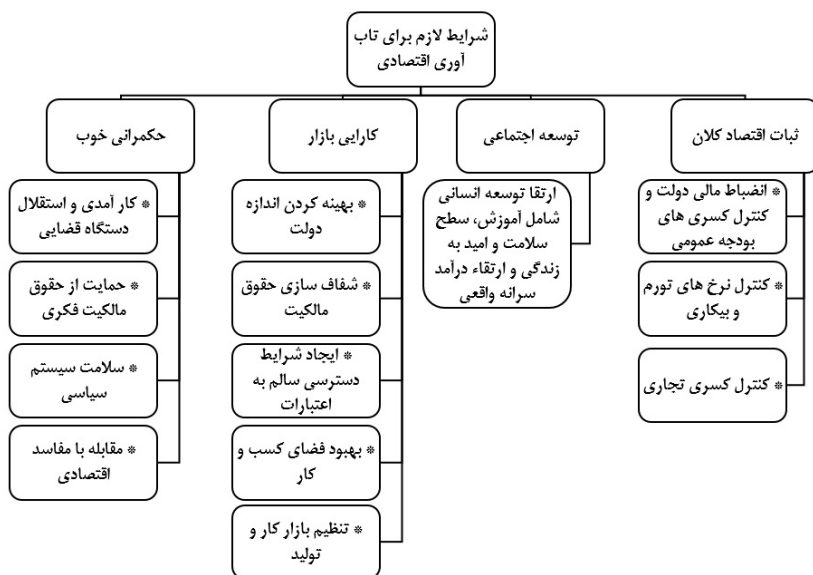
### ۳. حکمرانی خوب

حکمرانی خوب برای تاب‌آوری اقتصادی ضروری و از زمینه‌های بسیار مهم برای شکل‌گیری سیاست‌های مناسب است. بنابراین از عناصر لاینفک تاب‌آوری اقتصادی است. این عامل مسائل زیادی را تحت پوشش قرار می‌دهد که شامل قانون‌گذاری، حقوق مالکیت، امنیت داخلی و بین‌المللی و مشارکت مناسب در چهارچوب تجارت بین‌الملل می‌شود. در غیاب حکمرانی خوب، تکانه‌های مخالف به راحتی می‌توانند اوضاع اقتصادی و اجتماعی را مختل کنند. از این رو آثار آسیب‌پذیری اقتصادی تشدید خواهد شد. بریگاگلیو بخشی از شاخص آزادی اقتصادی را که بر ساختار مشروع و امنیت حقوق مالکیت تمرکز دارد به‌عنوان شاخص حکمرانی خوب انتخاب کرده است. این شاخص بر استقلال قضایی، بی‌طرفی دادگاه‌ها، حمایت از حقوق مالکیت معنوی، عدم دخالت نظامیان و جامعیت سیستم سیاسی و قانونی دلالت دارد. مؤلفه کارایی بر حکمرانی خوب به دلیل ضرورت دخالت اقتصاد مناسب، عملیاتی و آزاد در ارتباط با توانایی اقتصاد برای تخصیص صحیح و سریع منابع جهت جذب تکانه‌های اعمالی تأکید دارد. لذا برای افزایش کارایی در تاب‌آوری اقتصاد، عملکرد مناسب در چهارچوب حکمرانی خوب الزامی است. اقتصاد آزاد دارای پنج زیرمؤلفه جهت افزایش تاب‌آوری اقتصاد است که عبارت‌اند از: استقلال قضایی، بی‌طرفی دادگاه‌ها، حفاظت از حقوق شخصی افراد، مداخله صحیح و مناسب در اجرای مقررات و ساختار مناسب سیاسی و قانونی.

### ۴. توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی مؤلفه مهم دیگر تاب‌آوری اقتصادی است که شامل درآمد جمعیتی با نسبت نرخ بیکاری (بیانگر تراکم جمعیت با مهارت‌های پایین)، سواد و سلامت به‌عنوان اصلی‌ترین زیرمؤلفه‌های توسعه انسانی است. تحصیلات و پیشرفت آن از زیرمؤلفه‌های اصلی توسعه اجتماعی است که میزان آن بیانگر قابلیت‌های کشور در مقابله جهت رویارویی با تکانه‌های خارجی است. سلامت نیز از دیگر زیرمؤلفه‌های توسعه اجتماعی است که نقش اساسی

در تاب‌آوری اقتصادی دارد و عبارت است از: انتظار عمر و تولد یک فرد که برای پیشرفت اقتصادی جامعه مناسب باشد که در ارتباط با تجهیزات پزشکی، خانه‌داری و حفره‌های آسیب‌دیدگی و تصادفات است. این عامل به وضعیتی اشاره دارد که در آن یک جامعه به‌طور کامل توسعه‌یافته باشد؛ به‌طوری‌که دستگاه‌های اقتصادی قادر باشند بدون تأخیر ناشی از ناآرامی‌های مدنی، عملکرد مؤثری از خود نشان دهند. توسعه اجتماعی را همچنین می‌توان به انسجام اجتماعی مرتبط کرد. محاوره‌های اقتصادی در شرایطی می‌توانند رخ دهند که خود رهیافت‌های جمعی را قادر می‌سازند از سنجه‌های درستی در مواجهه با تکانه‌های مخالف استفاده کنند. بریگالیو برای توسعه اجتماعی از شاخص‌های آموزشی و بهداشتی مندرج در شاخص توسعه انسانی استفاده کرده است. در شکل زیر شرایط لازم تاب‌آوری اقتصادی آمده است.

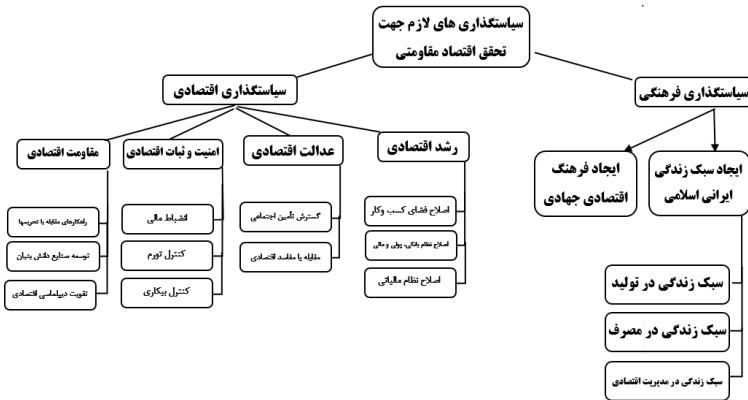


شکل ۵: شرایط لازم برای تاب‌آوری اقتصادی

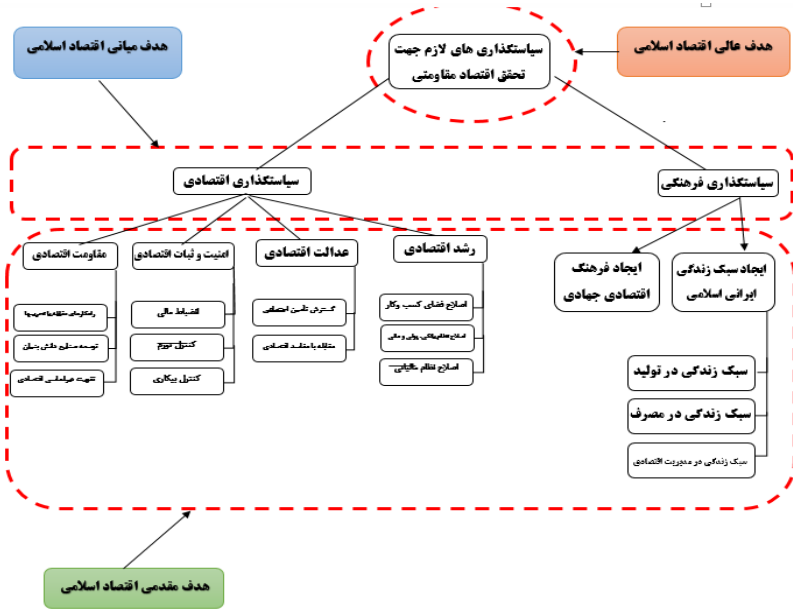


## مدل مفهومی مقاله

باتوجه به نظریه‌ای که اشاره شد، به منظور دستیابی به روشی برای پیاده‌سازی اقتصاد مولد و پویا مبنی بر اقتصاد اسلامی با الگوگیری از نظریه تاب‌آوری اقتصادی بریگاگلیو، به ارائه مدل مبتنی بر فرهنگ ایرانی-اسلامی خواهیم پرداخت. بر اساس این مدل نظری می‌کوشیم در این مقاله نواقص ساختاری و کارکردی مراکز تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر و معجری در سیاست‌گذاری اقتصاد مقاومتی و راهکارهای عملیاتی اجرای آن را ارائه کنیم.



شکل ۲: مدل اقدامات لازم جهت نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی



شکل ۳: تناسب اهداف اقتصاد اسلامی با مدل نظری مقاله

## اثبات مدل مفهومی مقاله

مدل نظری مقاله بر اساس دسته‌بندی اهداف اقتصادی اسلام طراحی شده است. در ابتدا باید اهداف نظام اقتصادی اسلامی احصا شود و باتوجه به مبنای اسلامی اقتصاد مقاومتی، سیاست‌گذاری‌های اقتصادی جهت تحقق اهداف آن صورت‌بندی گردد. می‌توان اهداف اقتصادی حکومت اسلامی را به سه دسته اهداف عالی، اهداف میانی و اهداف مقدماتی تقسیم کرد. این سه دسته اهداف در طول هم قرار دارند و برای دستیابی به اهداف بالاتر، ناگزیر باید از راه وصول به اهداف مرتبه پایین‌تر آغاز کرد.

## هدف عالی اقتصادی

درباره اهداف اقتصاد اسلامی می‌توان گفت هر امری که برای آماده کردن مسیر رشد و تعالی انسان به سمت قرب الهی لازم است، هدف حکومت اسلامی می‌باشد، که برخی از این امور مرتبط به شرایط اقتصادی جامعه اسلامی است. انسان برای حرکت در مسیر کمال نهایی که قرب الهی است، باید در دو بعد مادی و روحی به رشد و کمال برسد. البته کمال مادی مقدمه‌ای است بر کمال معنوی انسان. به‌عنوان مثال انسانی که از لحاظ جسمی و شرایط معاش مادی وضع مناسب‌تری دارد قطعاً برای برنامه‌ریزی در جهت کمال معنوی خود فراغت بال بیشتری خواهد داشت. از این رو، امام باقر (ع) در دعایی، رفاه و توانایی را از خدا می‌خواهند تا بتوانند خدا را عبادت کنند و به سعادت برسند: «أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ الرَّفَاهِيَةَ فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي مَعِيشَةً أَقْوَى بِهَا عَلَى طَاعَتِكَ وَأَبْلَغُ بِهَا رِضْوَانِكَ» (شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۳: ۷۷)؛ خدایا، تا زمانی که مرا زنده نگه می‌داری، رفاه و آسایش در زندگی‌ام را از تو می‌خواهم تا بدان وسیله توان بر اطاعت تو یابم و به وسیله اطاعت تو به بهشت نائل آیم.»

بنابراین مقدمه وجود عقل و بدن سالم در انسان، داشتن رفاه مادی است. براین اساس با مراجعه به برخی آیات مشاهده می‌شود که رفاه و آسایش به‌عنوان یکی از اهداف جامعه اسلامی قلمداد شده است. امام صادق (ع) می‌فرمایند:

حَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَةً مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعُقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ، فَأَوْلُهَا: صِحَّةُ الْبَدَنِ وَالثَّانِيَةُ: الْأَمْنُ وَالثَّالِثَةُ: الْسَعَةُ فِي الرِّزْقِ، وَالرَّابِعَةُ: الْأَنْبَسُ الْمُوَافِقُ [قال الراوی] قُلْتُ: وَمَا الْأَنْبَسُ الْمُوَافِقُ؟ قَالَ: الرَّوْجَةُ الصَّالِحَةُ، وَالْوَلَدُ الصَّالِحُ، وَالْحَلِيطُ الصَّالِحُ وَالْخَامِسَةُ:

وَهِيَ تَجْمَعُ هَذِهِ الْخِصَالَ: الدَّعَةُ (ری شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۲۲۱۷، ش ۳۲۸، العیش، ح ۱۴۷۶۶).

پنج چیز است که هرکس یکی از آنها را نداشته باشد، زندگی اش همواره با کاستی مواجه، خردش سرگشته و فکرش مشغول است: اول تندرستی؛ دوم امنیت؛ سوم فراخی در روزی؛ چهارم همدم سازگار. [راوی می گوید] عرض کردم منظور از همدم سازگار چیست؟ فرمودند: زن نیک، فرزند نیک و هم نشین نیک و پنجم [که جامع همه اینهاست] رفاه و آسایش است. در این روایت چهار نعمت اول مقدمه‌ای برای امر پنجم (رفاه) هستند.

از روایت مذکور دو نکته برداشت می‌شود: اول اینکه داشتن امکانات لازم زندگی برای همه مردم لازم و اجباری است؛ دوم اینکه رسیدن به شرایط رفاه اقتصادی به‌عنوان امری ممدوح قلمداد و رسیدن به آن به‌عنوان یکی از اهداف حکومت اسلامی معرفی می‌شود. تأکید بر برقراری رفاه عمومی در جامعه اسلامی در متون دینی بسیار دیده می‌شود. بر همین مبنا در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رفاه عمومی وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران شمرده شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که برقراری رفاه عمومی برای جامعه اسلامی در حوزه اقتصاد هدف عالی اقتصادی معرفی شده است (یوسفی، ۱۳۸۷: ۳۶).

### اهداف میانی

در طراحی اهداف میانی اقتصاد اسلامی با مراجعه به متون دینی، می‌توان به دسته‌بندی آنها پرداخت. در روایتی از معصوم چنین آمده است: «ثَلَاثَةُ أَشْيَاءَ يَحْتَاجُ النَّاسُ طُرًا إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخِصْبُ» (حرانی، ۱۳۸۲: ۳۲۰)؛ سه چیز است که همه مردم به آن احتیاج دارند: امنیت؛ عدالت؛ وفور و فراوانی. «می‌توان از واژه «عدالت»، «عدالت اقتصادی» و نیز از واژه «امن»، «ثبات و امنیت اقتصادی» و از واژه «وفور و فراوانی»، «رشد و پیشرفت» را لحاظ کرد. بر این سه هدف می‌توان هدف دیگری را افزود که در شرایط فشارهای اقتصادی دشمنان جامعه اسلامی تعریف‌شدنی است و آن هدف «مقاومت اقتصادی» است. بنابراین در طراحی اقتصاد مقاومتی، باید به‌نحوی عمل کنیم که این چهار هدف به‌عنوان اهداف میانی محقق شود. به‌بیان‌دیگر، تا زمانی که این چهار هدف به‌عنوان هدف میانی محقق نشود، هدف عالی که رفاه عمومی مردم است محقق نخواهد شد (یوسفی، ۱۳۸۷: ۵۷-۴۴).

## اهداف مقدماتی (عملیاتی)

اهداف مقدماتی به اهدافی گفته می‌شود که برای پیاده‌سازی اهداف میانی و عالی باید محقق شوند. تفاوت اهداف مقدماتی با اهداف میانی و عالی در این است که اهداف مقدماتی تمام اهدافی را که در نظام‌های اقتصادی متعارف پیگیری می‌شود شامل می‌گردد به استثنای دو گونه از اهداف: در راستای تحقق اهداف میانی و نهایی نباشند؛ در چهارچوب موازین اسلامی نباشند. در این حوزه بر اساس مبانی عقلی و تجربه بشری می‌توانیم اهداف مقدماتی فراوانی را طراحی کنیم؛ به طوری که ما را در رسیدن به اهداف میانی و عالی یاری دهد. با این تعریف تمام مباحثی که در علم اقتصاد متعارف مورد بحث است در دایره اهداف مقدماتی قرار می‌گیرند به استثنای دو موردی که اشاره شد (همان: ۵۸-۵۹).

## سیاست‌گذاری فرهنگی

در مدل بومی‌شده مقاله بخش جدیدی با عنوان «سیاست‌گذاری فرهنگی» اضافه شده است که نیاز به استدلال دارد. نظریات مربوط به توسعه اقتصادی که از اواسط قرن بیستم توسعه یافته بودند با چالش‌های جدی مواجه شدند و مخالفان زیادی در برابر آنها ایستادند (یوسفی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۲-۳). تا اوایل دهه شصت میلادی، توسعه فرایندی اقتصادی و فنی شمرده می‌شد که در افزایش رشد اقتصادی تبلور می‌یافت، اما از اواخر این دهه به تدریج آشکار شد که هرچند رشد شرط ضروری توسعه است، نباید آن را معادل توسعه تلقی کرد و باید به جنبه‌های دیگر زندگی انسان توجه شود. لذا از دهه هشتاد به بعد مباحثی مانند رابطه فرهنگ و توسعه وارد مطالعات اقتصادی شد (دپویی، ۱۳۷۴: ۹-۱۰). دین نقش مهمی در شکل‌دهی فرهنگ مردم معتقد به آن دارد. دین به دنبال شکل‌دهی نوع رفتار مردم در حوزه‌های مختلف زندگی است و این امر را با برقراری مقررات دینی برای معتقدان انجام می‌دهد. دین در حوزه اقتصاد نیز قوانین و مقررات خاص خود را برای معتقدان تجویز می‌کند و نتیجه عمل به آن را سعادت و کمال انسان معرفی می‌نماید.

با نگاهی به تعالیم دین اسلام می‌توان دریافت که اسلام در حوزه اقتصاد دارای غنای بالایی است. احکامی مانند حدود، دیات، قصاص، تعزیرات، شهادت، وصیت، ارث، قرض، دین، تعاون، احسان و تمام احکام و مسائل امور زندگی و شیوه رفتارهای اقتصادی،



مؤید این مسئله است. در راستای پیاده سازی فرهنگ درست اقتصادی، باید فرهنگ جوامع اسلامی و آموزه های دینی تثبیت شده در آن تجزیه و تحلیل شود تا فاکتورهای بازدارنده در رشد اقتصادی جامعه های اسلامی شناسایی گردد. بالعکس با شناسایی فاکتورهای مثبت در فرهنگ اسلامی و تبدیل آنها به فاکتورهای مثبت در پدید آوردن رفتار اقتصادی، می توان فرهنگ دینی اقتصادی توسعه را را پدید آورد. سفارش ها و تجویزهای ارزشی سازگار با روند توسعه، مانند داشتن روحیه درستکاری و راست گویی، وجدان کار، قناعت و صرفه جویی در مصرف، توکل داشتن به ذات اقدس الهی، عزت نفس و اتکا نکردن به دیگران، خیرخواهی و اعتدال در امور می تواند از این دسته باشد (یوسفی نژاد، ۱۳۸۲: ۱۳).

### راهکار اجرایی کردن اقتصاد مقاوم و پویا

در این قسمت از مقاله با توجه به مطالبی که گفته شد به بررسی اقدامات لازم در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی مبتنی بر فرهنگ ایرانی-اسلامی با نگاه به ظرفیت های داخلی و فرصت های خارجی خواهیم پرداخت. همان طور که در مدل نیز مشخص است، اقدامات لازم به دو قسمت اقدامات فرهنگی و اقدامات اقتصادی تقسیم شده است که در ابتدا به اقدامات فرهنگی می پردازیم.

#### ۱. اقدامات فرهنگی

##### ایجاد سبک زندگی اسلامی-ایرانی

با بررسی بندهای اصول کلی اقتصاد مقاومتی، نقش فرهنگ و فرهنگ سازی در اقتصاد مقاومتی کاملاً مشخص می شود. به طور مشخص دو بند از بندهای سیاست های کلی اقتصاد مقاومتی مشخصاً به موضوع فرهنگ سازی اشاره دارند. در بند بیست آمده است: «تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره وری، کارآفرینی، سرمایه گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه» و در بند ۲۱ آمده است: «تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان سازی آن به ویژه در محیط های علمی، آموزشی و رسانه ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی».

در دو بند مذکور به فراهم سازی زمینه های فرهنگی جامعه به منظور پذیرش لزوم تغییر



در رفتار اقتصادی مردم و حرکت به سمت پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی تأکید شده است. به بیان دیگر تا زمانی که فرهنگ اقتصادی سالم مبتنی بر اصول اقتصاد مقاومتی بر جامعه حاکم نشود، تحقق بندهای دیگر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی غیرممکن خواهد بود یا به طور ناقص محقق خواهد شد. لذا تمرکز صرف بر برنامه‌ریزی‌های اقتصادی بدون فرهنگ‌سازی، امری ناموفق خواهد بود.

یکی از عناصر تشکیل دهنده سبک زندگی ایرانی-اسلامی، الگوی مصرف مسلمان است. بخشی از آیات قرآن کریم و روایات اهل‌بیت: به فرهنگ‌سازی درباره مصرف و آموزش «درست مصرف کردن» اختصاص یافته است. آیات و اخباری که در آنها به میانه‌روی در مصرف، پرهیز از اسراف و تبذیر، پرهیز از هدر دادن اموال، پرهیز از راکد نگه داشتن اموال و... اشاره شده است، همه در پی فرهنگ‌سازی برای مصرف‌اند. ضرورت اصلاح الگوی مصرف، توصیه دائمی آموزه‌های قرآنی و روایی می‌شود تا بر اثر رعایت این اصل، پیروان اسلام، هم از اصل لذت مصرف بازمانند و هم از مصرف‌زدگی دور شوند و در نتیجه بر اثر سامان دادن به مصرف خویش، خوشبختی دنیا و آخرت را در خویش گرد آورند.

برای مقابله با فرهنگ مصرفی و مصرف‌زدگی، باید ریشه‌های این بیماری را شناخت و به معالجه اساسی آن پرداخت. اصلاح الگوی مصرف از زوایا و ابعاد گوناگون قابل بررسی است و تحقق آن نیازمند سازکارها و بسترهای لازم خود می‌باشد. در اینجا چند راهکار مهم و اساسی بیان می‌شود:

۱. ارتقای آموزش عمومی و جهت‌دهی رسانه‌ها؛
۲. استفاده از ظرفیت‌های غنی دینی؛
۳. استفاده از پتانسیل طبقه روحانی؛
۴. معرفی اسوه‌های برتر؛
۵. اصلاح نظام قیمت‌ها؛
۶. داشتن الگو و برنامه مناسب (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۹: ۸۶-۸۹).

یکی دیگر از عناصر سبک زندگی ایرانی-اسلامی، سبک زندگی تولیدی مسلمان است. عموم حرفه‌ها و اشتغال‌های تولیدی و توزیعی و خدماتی در صورتی که با شرایط صحیح و طبق دستور شرع انجام گیرد، علاوه بر تأمین زندگی خود و خانواده و حفظ آبروی شخص و





خانواده، نوعی خدمت به خلق است که آن هم گاهی واجب و گاهی مستحب است و ثواب زیادی به همراه خواهد داشت و عبادت حساب می شود. این کارها در واقع یکی از مصادیق و نمونه های کارگشایی برای مردم و خوش حال کردن همنوعان و زدودن غم و اندوه از آنان است که در روایات به آن تشویق و ترغیب و آثار بسیاری برای آن بیان شده است. در اسلام مهم تر از شکل عمل، نیت عمل است که می تواند عمل را رنگ خدایی ببخشد یا رنگ غیر خدایی. تولید و اشتغال نیز از این نوع است (پرچم و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۲).

باتوجه به مباحث مطرح شده، اقداماتی در جهت اصلاح فرهنگ کار در ایران باید صورت پذیرد: الف) گفتمان سازی فرهنگ اقتصادی؛ ب) توسعه فرهنگ اقتصادی از طریق آموزش رسمی؛ پ) توسعه فرهنگ کار؛ ت) برنامه ریزی باتوجه به الگوی اسلامی-ایرانی؛ ث) توسعه فرهنگ اقتصادی از طریق آموزش عمومی؛ ج) استفاده از ظرفیت های دینی. عنصر بعدی مدیریت اقتصادی است که مهم ترین بخش تأثیرگذار در روندهای اقتصادی کشور است؛ چون سیاست های اقتصادی از سوی مدیران اقتصادی تعیین می شود و نگاه مدیر اقتصادی به طور مستقیم در نحوه تصمیم گیری های اقتصادی او تأثیر خواهد داشت. اگر مدیر اقتصادی نگاهی برون نگر داشته باشد و توانایی های داخلی را ناکافی و ناکارآمد قلمداد کند، مطمئناً در تصمیمات خود تلاش خواهد کرد تا هرچه بیشتر از حوزه اقتصاد خارجی در تأمین نیازهای اقتصادی کشور استفاده کند و این امر به وابستگی اقتصادی بیشتر خواهد انجامید. در مقابل اگر مدیر اقتصادی نگاهی درون نگر داشته باشد، سعی خواهد کرد با سیاست گذاری های درست به شکوفایی استعدادهای داخلی و توانایی های داخلی و رشد و توسعه درون گرای داخلی دست یابد (سلامی، ۱۳۹۱: ۳۳).

### ایجاد فرهنگ اقتصادی جهادی

اگر مدیر اقتصادی دارای ویژگی های اعتقادی و رفتاری باشد، مطمئناً در عملکرد خود سعی خواهد کرد در راستای تأمین منافع جامعه و مردم از حق شخصی خود نیز بگذرد و در این راه از جان و مال خود ایثار کند. بنابراین مدیر جهادی هیچ گاه برای منفعت شخصی خود نخواهد کوشید و توان خود را برای حل مشکلات اقتصادی مردم صرف خواهد کرد. برای

اینکه این روحیه در بین مدیران گسترش یابد، اقداماتی باید صورت پذیرد؛ از جمله:

۱. افزایش روحیه ایثارگری در مدیران و سیاست‌گذاران؛
۲. افزایش کار و تلاش مضاعف؛
۳. افزایش مسئولیت‌پذیری مدیران و سیاست‌گذاران؛
۴. افزایش توانمندسازی کارکنان و شایسته‌سالاری؛
۵. ارتقای وجدان کاری مدیران و سیاست‌گذاران؛
۶. شجاعت و قاطعیت در امور مدیران و سیاست‌گذاران؛
۷. افزایش خودباوری در مدیران و سیاست‌گذاران؛
۸. افزایش تعامل و از جنس مردم بودن؛
۹. قناعت و ساده‌زیستی مدیر و سیاست‌گذار؛
۱۰. حسن خلق مدیران و سیاست‌گذاران (کیانی‌زاده و گلشنی، ۱۳۹۵: ۷۳-۷۴).

## ۲. اقدامات اقتصادی

بر اساس مدل نظری مقاله، اقدامات لازم در جهت تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی به دو حوزه فرهنگی و اقتصادی تقسیم شده است. در این قسمت به برنامه‌های اقتصادی خواهیم پرداخت که چهار قسمت است: برنامه‌های مربوط به اصلاح ساختار اقتصاد ملی و عملکرد اقتصادی؛ برنامه‌های مربوط به حفظ ثبات و امنیت اقتصادی؛ برنامه‌های مربوط به برقراری عدالت اقتصادی؛ برنامه‌های مربوط به افزایش مقاومت اقتصادی.

### الف) اقدامات لازم در جهت اصلاح ساختار اقتصاد ملی و عملکرد اقتصادی

همان‌طور که در قسمت‌های پیشین گفته شد اصلاح ساختار اقتصاد ملی به‌عنوان هدف میانی اقتصاد اسلامی امری لازم و ضروری است. تا زمانی که فضای اقتصادی با سیاست‌های درست اقتصادی در کشور بهبود نیابد، مطمئناً بخش قابل توجهی از مردم جامعه اسلامی دچار مشکلات اقتصادی خواهند شد و پیاده‌سازی اقتصاد مقاومتی امکان‌پذیر نخواهد بود. در ادامه به بررسی اقدامات لازم در جهت بهبود ساختار اقتصاد ملی خواهیم پرداخت.



## بهبود فضای کسب و کار

به واسطه فضای کسب و کار مناسب، می‌توان به سرمایه‌گذاری امیدوار شد و رونق فعالیت‌های اقتصادی را شاهد بود. فضای کسب و کار در کشور هرچه شفاف‌تر و رقابتی‌تر باشد، منجر به افزایش سلامت اقتصادی کشور و اتخاذ سیاست‌های مطلوب می‌شود و روند بهبودی شاخصه‌های اقتصادی را در پی خواهد داشت. تأثیر فضای کسب و کار مساعد بر افزایش جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، ایجاد اشتغال و رشد تولید ناخالص داخلی انکارناپذیر است. به منظور بهبود فضای کسب و کار، اقداماتی باید صورت پذیرد:

۱. به منظور تسهیل در فرایندهای صدور مجوزهای کسب و کار، دولت باید اقدام به طراحی الگوی بومی ایجاد مسیرهای مشخص کسب و کار کند و تسهیلاتی در این زمینه برای متقاضیان در نظر گیرد؛

۲. برای رونق کسب و کار باید در ابتدا قوانین مضر، موازی و ناکارآمد شناسایی شوند و در روند منطقی بازنگری یا جای‌گزین شوند. به منظور اجرای این امر، پیشنهاد می‌شود مرکز پژوهش‌های مجلس مأموریت شناسایی و دسته‌بندی این قوانین را به عهده گیرد و یکی از کمیسیون‌های مجلس به‌طور ویژه به این مبحث بپردازد؛

۳. با توجه به وجود ظرفیت‌های ویژه استان‌ها و شهرستان‌ها، دولت باید «نقشه راه سرمایه‌گذاری و اشتغال» با زمان‌بندی مشخص و سیستم بازخوردگیری معین طراحی کند. برای تحقق این امر، باید دبیرخانه‌ای با همین عنوان تشکیل شود و به پیگیری قوانین و مصوبات دولت برای تحقق آنها و همسوسازی تمام وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌ها و نهادها در این راستا و بازخوردگیری از روند اجرای آنها موظف باشد؛

۴. دولت با استفاده از فناوری آی. تی. باید نظام جامع اطلاعات بازار کار راه‌اندازی کند تا جدیدترین اطلاعات مربوط به بازار کسب و کار را در سریع‌ترین زمان ممکن در اختیار کارجویان، کارفرمایان، سرمایه‌گذاران، صاحبان کسب و کار و همه ذی‌نفعان بازار کار قرار دهد. این امر علاوه بر تسریع در روند اشتغال، باعث جلوگیری از رانت‌ها و فسادهای مالی نیز می‌شود. برای این منظور باید مرکزی مسئول راه‌اندازی و به‌روزرسانی این سامانه باشد؛

۵. دولت به منظور مطابق‌سازی نیازهای بازار کار با نظام آموزشی و مهارتی کشور، باید اقدام به طراحی و اجرای «نقشه جامع آموزش و اشتغال» کند. برای این منظور باید هماهنگی



لازم بین وزارت علوم، وزارت بهداشت، وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و سازمان‌های مرتبط برای طراحی و اجرای این نقشه راه به عمل آید؛

۶. وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی و وزارت صنعت، معدن و تجارت موظف شوند با طراحی دبیرخانه و کارگروه‌های زیرمجموعه آن، به شناسایی مصادیق اقتصاد غیررسمی و بررسی‌های میدانی دلایل شکل‌گیری و راه‌های مقابله با آن و نظام‌مند و نهادینه کردن آن بپردازند؛

۷. دولت باید راهکارهای کمک به ایجاد و توسعه شبکه‌های کسب‌وکار را با تأکید بر تعاونی‌های مادر تخصصی پشتیبان کسب‌وکارها بررسی و طی لایحه‌ای به مجلس ارائه کند و پیگیر قانونی کردن آن شود؛

۸. برنامه‌ریزی و اقدام برای طراحی و اجرای الگوی جامع توانمندسازی، اشتغال‌پذیری و کارآفرینی نیروی کار با هدف تربیت منابع انسانی کارآفرین و تأمین نیازهای منابع انسانی کارآفرینان و صاحبان کسب‌وکار؛

۹. دولت باید از شیوه‌های جدید اشتغال‌پشتیبانی کند. از جمله این اشتغال‌ها «کار از راه دور»، «کار مشارکتی»، «کار پاره‌وقت» و «کار در فضای مجازی» است. دولت در این راستا باید وزارت‌خانه‌های مرتبط را موظف کند تا قوانین و مقررات مرتبط با این نوع اشتغال‌ها تهیه کند و برای قانونی کردن آن به‌عنوان لایحه به دولت بفرستد؛

۱۰. دولت باید کارگروهی از وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های مرتبط تشکیل دهد تا به بررسی، برنامه‌ریزی و اجرا برای طراحی و تنظیم بسته جامع قوانین مدیریت نظام روابط کار در ایران (اصلاح قانون کار، اصلاح قانون تأمین اجتماعی، اصلاح قانون بیمه بیکاری و ارائه لایحه قانون کار شایسته) بپردازد. این امر باعث می‌شود نظام هدفمند حمایت از همه ذی‌نفعان بازار کار (کارگر، کارفرما و دولت) شکل گیرد. در این راستا به‌روزرسانی قوانین مرتبط و تلاش در راه تحقق قانون کار شایسته و همچنین تعامل و گفت‌وگوی سازنده بین شرکای اجتماعی کار در این مسیر بسیار سازنده خواهد بود؛

۱۱. برنامه‌ریزی و اقدام برای احیای دوره‌های آموزشی مهارت‌های کسب‌وکار و کارآفرینی (دانش اجتماعی کار) و گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در راستای کمک به توسعه کارآفرینی و اشتغال جوانان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی؛



۱۲. وضع قوانینی که به تنظیم میزان و وسعت مشاغل در گستره سرزمینی منجر شود. دولت باید به روند رشد انواع کسب و کار توجه کند تا از روند رشد قارچ گونه برخی مشاغل، به گونه ای که در برخی از آنها با انباشتگی مواجه شویم، جلوگیری کند؛
۱۳. گفتمان سه جانبه گرای دولتی، کارفرما و کارگر در تمام مراحل بهبود مستمر فضای کسب و کار بسیار مؤثر است.

### اصلاح نظام بانکی

در طراحی اقتصاد قدرتمند باید چند اقدام اساسی و فوری صورت بگیرد. یکی از آنها اصلاح نظام بانکی است. سیستم بانکی در ایران، هم در زیرساخت ها هم در عملیات و اجرا مشکل دارند. بر اساس مطالبی که در قسمت آسیب شناسی شرایط بازارهای پولی و مالی در کشور گفته شد می توان نتیجه گرفت که اصلاحاتی جهت برطرف کردن مشکلات نظام بانکی باید صورت پذیرد:

### اصلاحات کلان و راهبردی

اقداماتی که برای اصلاح شرایط مذکور لازم است به این شرح می باشد (شیرانی، ۱۳۸۳: ۱۸۲-۱۸۶):

- حذف نظام ربوی بانکها؛
- استفاده از نظام های پیشرفته نظارتی و افراد متخصص در حوزه نظارت بر بانکها؛
- حذف قواعد و مقررات دست و پاگیر در حوزه نظارت؛
- استفاده از تکنولوژی های پیشرفته آی. تی. به منظور شفاف سازی و روان سازی مبادلات بانکی؛
- عدم تحمیل تسهیلات تکلیفی و تبصره ای به بانکها؛
- حذف توزیع دستوری و بخشی اعتبارات در بخش های مختلف اقتصاد؛
- تثبیت نرخ سود بانکی و واقعی سازی آن؛
- پایداری ضوابط بانکی به منظور افزایش امنیت اقتصادی؛
- بازبینی قوانین و مقررات مربوط به جریمه تأخیر تأدیه و جایگزینی روش های کارا تر به جای آن؛

- افزایش ثبات در اقتصاد کلان به منظور بهبود فضای فعالیت در بانکداری شامل: الف) بهبود شاخص‌های مربوط به فضای کسب‌وکار در سطح کلان و ملی؛ ب) بهبود متغیرهای مهمی نظیر تورم؛ ج) تلاش برای کاهش فشارهای بین‌المللی درباره تحریم ایران؛
- کاهش دخالت‌های دولتی و پرهیز از پدیده سرکوب مالی؛
- تجدیدنظر در قوانین مربوط به ورشکستگی؛
- طراحی و الگوسازی بانک‌ها و مؤسسات پولی و مالی بر اساس اقتصاد اسلامی (اقتصاد بدون ربا)؛
- کنترل و نظارت مستمر در میان بانک‌ها و مؤسسات پولی و مالی برای هدایت نقدینگی منابع به سمت کارهای تولیدی و اشتغال‌زایی؛
- اقیانوس‌سازی شورای پول و اعتبار و بانک مرکزی در کاهش نرخ سود بانکی و التزام همه بانک‌ها و مؤسسات پولی-مالی به رعایت سیاست‌های پولی و مالی ابلاغی؛
- نظارت مستمر بر عناصر، برنامه‌ها و جریان‌های سازمان‌یافته مخمل امنیت اقتصادی در فرایند نظام پولی و بانکی؛
- مدیریت صحیح منابع با نظارت‌های جامع در بانک‌ها و مؤسسات پولی و مالی جهت کاهش مطالبات معوق بانک‌ها؛
- وضعیت‌سنجی عملکرد بانک‌ها و مؤسسات پولی-مالی از حیث ربوی بودن؛
- تلاش برای هماهنگی‌های لازم با مسئولان و مراجع ذی‌ربط و خبرگان اقتصادی برای ارائه نظام و الگوی کامل بانکداری بدون ربا از طریق تغییر و تحول انطباق‌سازی نظام‌های مکمل مانند نظام بیمه‌ای، حسابداری، حسابرسی، نظارتی و قانون‌گذاری کلان با هدف، آرمان و قانون بانکداری بدون ربا؛
- هماهنگ کردن محققان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه برای بررسی، بازنگری و ارائه مطلوب عملیات بانکداری بدون ربا بر اساس آموزه‌های اسلامی؛
- ارتباط با مراجع مرتبط به منظور ایجاد حساسیت و هشدارهای مستمر از روند رو به تهی شدن نظام بانکداری از ماهیت اسلامی و گسترش شائبه ربوی شدن بانک‌ها؛
- ایجاد مطالبه‌گری برای تحقق بانکداری بدون ربا با استفاده از همه منابع و ظرفیت‌های تبلیغی و رسانه‌ای به گفتمان‌سازی آموزه‌های دینی و طرد سوداگرایی صرف اقتصادی از طریق رسانه‌ها، خبرگزاری‌ها و سایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی.



## راهکارهای اصلاحی

درباره حذف نظام بانکداری ربوی می‌توان راهکارهای اصلاحی در پیش گرفت و باتوجه به مشکلات پیشین و با بهره‌گیری از تجربه الگوهای گوناگون بانکداری بدون ربا، الگوی جدیدی را ارائه کرد. در این الگو سه نوع بانک تحت عناوین بانک‌های تجاری، بانک‌های تخصصی (سرمایه‌گذاری) و بانک‌های جامع با روش‌های مناسب در عرصه تجهیز و تخصیص منابع ارائه می‌شود. پیش از ارائه الگو لازم است نگاهی به فرض‌های الگو بیندازیم (موسویان، ۱۳۸۵: ۲۸-۳۶):

۱. عقودهای به‌کاررفته در قانون عملیات بانکی بدون ربا به سه گروه قرض الحسنه، عقودهای مبادله‌ای (فروش نسبه اقساطی، اجاره به شرط تملیک، جعاله، سلف و خرید دین) و مشارکتی (مشارکت حقوقی، مشارکت مدنی، مضاربه، مزارعه و مساقات) با ویژگی‌های متفاوت تقسیم می‌شوند که اجرای صحیح هر یک از آنها، مستلزم روش‌های حسابداری و راهکارهای مخصوص خود است؛

۲. بانک‌ها به سه گروه تجاری، تخصصی و جامع تقسیم می‌شوند که از جهت حوزه فعالیت و توانایی‌های نظارتی به‌طور کامل متفاوت‌اند. در نتیجه هر یک از بانک‌های تجاری، تخصصی و جامع فقط با برخی قراردادها تناسب دارند؛

۳. گرچه تنوع قراردادها مفید است، تعدد بیش‌ازحد آنها، پیچیدگی عملیات بانکی و مشکل آموزش و تفهیم مشتری را به همراه دارد. در نتیجه تا جایی که به کارایی بانک لطمه وارد نیاید، باید از تعدد قراردادها کاسته شود؛

۴. باید نوع معاملات بانکی چه در زمینه جذب سپرده‌ها و چه در زمینه اعطای تسهیلات با اهداف و انگیزه‌های مشتریان و با توان اجرایی بانک متناسب باشد. در نتیجه، نوع سپرده‌ها و عقودهای مربوط به تسهیلات اعطایی در انواع بانک‌ها متفاوت خواهد بود؛ چراکه این بانک‌ها، هم از جهت مشتریان و هم از جهت ماهیت بانک متفاوت‌اند؛

۵. الگوی پیشنهادی در چهارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا بوده و اجرای آن صرفاً نیازمند بازنگری در برخی آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی است؛

۶. الگوی پیشنهادی قابلیت اجرا در بانک‌های دولتی و خصوصی را دارد و بهترین وضعیت برای تحقق آن، آزادی عمل بانک‌ها (بانک‌های دولتی و خصوصی) بر اساس سازکار بازار و وضعیت رقابت سالم اقتصادی است.

یکی دیگر از مشکلات بانک‌ها عدم سوددهی آنهاست. در حال حاضر تعداد زیادی از بانک‌ها با مشکل عدم سوددهی و زیان‌ده بودن مواجه‌اند. برای برون‌رفت از این شیب اقتصادی تند که به ضرر بانک‌ها شده است، باید تدابیری راه‌گشا اتخاذ شود. برای حل معضل بانک‌ها باید چند اقدام اساسی صورت گیرد: ۱. کاهش هزینه‌های بانک‌داری در کشور؛ ۲. تخصیصی کردن بانک‌ها؛ ۳. ادغام بانک‌ها؛ ۴. هدایت و مدیریت نقدینگی بانک‌ها؛ ۵. عدم صدور مجوز برای راه‌اندازی بانک جدید؛ ۶. افزایش نظارت‌ها (شایگانی، ۱۳۹۴: ۲۴۰-۲۴۱).

### اصلاح نظام مالیاتی

محورهای اصلی تحول در نظام مالیاتی شامل ایجاد درآمد، کاهش هزینه‌های وصول مالیات، عدالت مالیاتی و تقویت مدیریت مالیاتی است که چهار هدف اصلی از اصلاحات مالیاتی در کشورهای مختلف را تشکیل می‌دهند که اغلب مستلزم ساده کردن روش تعیین و تشخیص منابع مالیاتی است. با توجه به این اهداف، اصلاح جدی نظام مالیاتی در ایران اسلامی نیز باید مورد عنایت متولیان امور قرار گیرد و مورد توجه جدی دولتمردان اقتصادی کشور باشد. محورهای اصلی مورد هدف در تحول نظام مالیاتی ایران عبارت‌اند از (دادگر، ۱۳۹۲: ۲۷):

#### محور ۱: اجرای طرح جامع مالیاتی

بررسی‌ها نشان می‌دهد شرایط مالیاتی کشور نابسامان است، درآمدهای مالیاتی دولت سهم کمی از بودجه دولت را به خود اختصاص داده، مالیات‌های پرداخت‌نشده و فرار مالیاتی به میزان بالایی است، تعداد زیادی از فعالان اقتصادی در سیستم مالیاتی کشور ثبت‌نام نکرده‌اند، بسیاری از عملیات‌های اداری در این حوزه به‌صورت غیرالکترونیک انجام می‌شود و این شرایط باعث شده که نارضایتی مردم مشهود باشد. بر اساس مطالبی که گفته شد اقدامات لازم جهت نیل به وضعیت مطلوب عبارت‌اند از:

۱. طراحی ساختار سازمانی و وظیفه‌ای و استراتژی منسجم نیروی انسانی؛
۲. همسویی قوانین و ضرورت اشتراک اطلاعات بین ادارات دولتی؛
۳. پیاده‌سازی زیرساخت قوی برای تکنولوژی؛
۴. بهبود روابط با صاحبان منافع؛





۵. ایجاد ساختار سازمانی وظیفه‌ای؛

۶. استاندارد کردن فرایندها در تمام مناطق و تمام مالیات‌ها؛

۷. پردازش مرکزی اطلاعات؛

۸. پیاده‌سازی استراتژی یک‌پارچه منابع انسانی؛

۹. یک‌پارچگی قوانین.

## محور ۲: مالیات بر ارزش افزوده

مالیات بر ارزش افزوده مالیاتی است که بر ارزش افزوده یعنی تفاوت عایدات ناشی از فروش محصول تولیدشده و کل هزینه‌های مصرف‌شده برای تهیه مواد اولیه، کالا و خدمات واسطه‌ای (هزینه تولید) اعمال می‌شود. در واقع، این نوع مالیات در مراحل مختلف زنجیره واردات، تولید، توزیع و مصرف به تدریج توسط بنگاه‌های اقتصادی که در مراحل مختلف زنجیره مذکور قرار می‌گیرند به صورت درصدی از ارزش افزوده حاصل شده انباشته و از هر بنگاه به بنگاه بعدی منتقل و در نهایت توسط مصرف‌کننده نهایی پرداخت می‌شود (دادگر، ۱۳۹۲: ۳۲). برای اجرای صحیح دریافت مالیات بر ارزش افزوده باید مواردی در دستور کار دولت قرار گیرد؛ از جمله:

۱. اجرای سیاست‌های تشویقی برای طرف‌های خوش حساب؛

۲. نظارت کافی بر روند رشد یا کاهش درآمدهای دولت از طریق دریافت مالیات بر

ارزش افزوده و بررسی دلایل آن؛

۳. تسریع در فرایندهای تصویب و اجرای لایحه قانون جامع مالیات؛

۴. ایجاد سامانه برخط مالیاتی در راستای اجرای صحیح قانون مالیات بر ارزش افزوده و

قانون جامع مالیاتی کشور به منظور جلوگیری از فرار مالیاتی و کاهش بوروکراسی‌های زاید

اداری در این حوزه؛

۵. تکریم مقام خوش حسابان مالیاتی در جامعه به‌عنوان الگوهای جامعه؛

۶. ایجاد مشوق‌های مالیاتی برای خوش حسابان مالیاتی.



### محور ۳: بازنگری قوانین و مقررات

یکی از پروژه‌های اساسی تحول نظام مالیاتی بازنگری قوانین و مقررات است. به این منظور باید قانون مالیات‌های مستقیم بر اساس شش محور گسترش پایه‌های مالیاتی (ایجاد منابع جدید)، تعدیل نرخ‌ها و رفع تبعیض‌های مالیاتی، اصلاح ساختار مشوق‌های مالیاتی (استهلاکات و معافیت‌ها)، جرایم مالیاتی و ضمانت‌های اجرایی قانون، مکانیزه کردن فرایندهای مالیاتی و مالیات الکترونیکی، و ساده‌سازی و شفاف‌سازی مقررات و فرایندها بررسی و اصلاح شود. با اعتمادسازی بین دولت و ملت و نزدیکی این دو، اجرای قانون مالیات تسهیل خواهد شد. زیرساخت اعتماد، حلقه مفقود کنونی در این محیط است. ترویج سرمایه اجتماعی در این مسیر بسیار مؤثر خواهد بود.

### ب) اقدامات لازم در جهت حفظ ثبات و امنیت اقتصادی

امنیت اقتصادی سطح‌های گوناگونی دارد. برخی از بُعدهای این مفهوم با امنیت سرمایه مرتبط است. دیگر بُعدهای آن با امنیت معیشتی یا امنیت درآمدی و اشتغال ارتباط دارد. امنیت اقتصادی به بُعدهای گوناگون تولید، توزیع، مصرف در بخش خصوصی، بخش دولتی و بخش سوم و در محیط داخلی و خارجی کشور مرتبط است. بنابراین امنیت اقتصادی، سیستمی تصور می‌شود. اقداماتی که در این راستا باید صورت پذیرد به این شرح است:

### انضباط مالی و پولی

انضباط مالی از دو دیدگاه قابل تأمل و بررسی است: یکی دیدگاه کلان که در آن دولت، مقامات دولتی و بانک مرکزی و دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی موظف به اجرای انضباط مالی در تصمیم‌گیری‌ها و انتخاب سیاست‌های پولی و مالی در سطح کشوری هستند؛ دیگری دیدگاه خرد است که در این دیدگاه انضباط مالی در سطح هر مؤسسه، شرکت و بنگاهی که دولتی یا تحت نظارت دولت باشد مورد توجه و اجرا قرار می‌گیرد.

منظور از انضباط مالی در بعد کلان، رعایت سقف پیش‌بینی‌شده برای کل مخارج بخش عمومی در چهارچوب درآمدهای قابل تحقق در دوره مالی و تقسیم بهینه بودجه بین برنامه‌های مختلف است که توسط دستگاه‌ها و مؤسسات دولتی اجرا می‌شود. گفتنی است



منظور از انضباط مالی، صرفاً توازن بودجه عمومی دولت نیست، بلکه منظور از تعادل مالی دولت، بی نیازی به استقراض توسط بخش عمومی برای انجام وظایف خود و ارائه کالاها و خدمات بخش عمومی است.

انضباط مالی از بعد کلان در پیگیری دو هدف مهم خلاصه می شود:

۱. حذف برنامه هایی که دارای توجیه اقتصادی و اجتماعی نیستند و تقسیم مناسب بودجه دولت بین دستگاه ها و مؤسسات مختلف برای اجرای برنامه های محوله؛
۲. کنترل حجم کل بودجه دولت در چهارچوب درآمدهای قابل تحقق (شقاقی، ۱۳۸۵: ۱۶-۱۸).

یکی از عوامل مهمی که در ایجاد انضباط اقتصادی در سطح کلان مؤثر بوده، انضباط پولی است. به طور کلی مسائلی را که باعث از بین رفتن انضباط اقتصادی در نظام پولی و بانکی کشور می شود می توان بر اساس وابستگی بیش از حد بانک مرکزی به دولت، نبود نظام ارزیابی و نظارت مؤثر بر عملکرد شبکه بانکی، ارزش گذاری بیش از حد پول داخلی، اتکای بیش از حد کشور به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات مواد خام و وجود نرخ سود تسهیلات کمتر از نرخ تورم طبقه بندی کرد (کمیل طیبی، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۴). در ادامه به تعدادی از راهکارهایی اشاره می شود که می تواند به عنوان ابزار و سیاست هایی از انضباط مالی در مقابله با بحران اقتصادی به کار گرفته شود:

۱. استقلال بانک مرکزی در حوزه سیاست های پولی؛
۲. وجود انضباط مالی در برنامه های دولت هنگام تصمیم گیری برای تأمین مالی کسری بودجه؛
۳. الزام نهادهای حاکمیتی به هماهنگ سازی سیاست های پولی و مالی و سیاست های بازار سرمایه، سیاست های کالا و خدمات با سیاست های بازار کار؛
۴. وجود نگاه کارشناسی به جای نگاه سیاسی در حوزه اقتصاد از سوی دولت ها.

### کنترل تورم

شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی به عنوان معیار سنجش تغییرات قیمت کالاها و خدمات مصرفی خانوارها مهم ترین ابزار اندازه گیری میزان تورم در اقتصاد کشور است.

وابستگی اقتصاد کشور به نفت و وابستگی تولیدات داخلی به مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای خارجی، از عوامل ساختاری ایجاد تورم در اقتصاد کشور می‌باشد که همراه با تشدید فشارهای ناشی از تحریم به‌طور محسوس مشاهده شده است. کنترل تورم همواره از اولویت‌های دولت بوده است. اقداماتی که لازم است برای کنترل تورم انجام گیرد از این‌قرار است: کنترل رشد نقدینگی، نظارت بر خروج کالاهای اساسی، بازتنظیم صادرات و واردات، نظارت بر مرزها و مبارزه با قاچاق کالا، جهت‌دهی نقدینگی از طریق توسعه بازار سرمایه، ایجاد ثبات نسبی در بازار ارز از طریق راه‌اندازی مرکز مبادلات ارزی و کنترل پایه پولی از طریق مدیریت بر نحوه اضافه‌برداشت بانک‌ها، مدیریت بودجه دولت به جهت پرهیز از ایجاد کسری بودجه، مدیریت نقدینگی از طریق انتشار اوراق مشارکت، نظام‌مند کردن بازار غیرمتمشکل پولی، سامان‌دهی معوقات بانکی، مدیریت بازار ارز از طریق مدیریت بر کاهش واردات و حصول اطمینان از بازگشت ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به چرخه تجاری کشور، مدیریت بازار مواد غذایی و سایر کالاهای اساسی از طریق ذخیره‌گیری مناسب، کنترل قیمت‌ها و نظارت دقیق بر توزیع کالاهای اساسی، کنترل فضای روانی بازار و بی‌اثرسازی انتظارات تورمی، توسعه فرهنگ صرفه‌جویی و کاهش هزینه‌های غیرضروری خانوارها، تدوین سیاست‌های افزایش بهره‌وری و رونق تولیدات داخلی، کاهش هزینه‌های دولت، چالاک و چابک‌سازی دولت، افزایش بهره‌وری در مجموعه دولت، کاهش وابستگی بودجه کشور به درآمدهای نفتی و استفاده صحیح از درآمدهای نفتی، افزایش بهره‌وری در تولید و به‌عبارت‌بهرتر، افزایش رقابت‌پذیری محصولات و کالاهای ساخت داخل (ر. ک. یدالله‌زاده طبری، ۱۳۹۰؛ سهیلی، ۱۳۹۱؛ باستانی‌فر، ۱۳۹۳).

### کنترل بیکاری

با نگاهی گذرا به جامعه اقتصادی ایران به‌نظر می‌رسد عوامل داخلی زیادی در تعیین نرخ بیکاری دخالت دارند. به همین دلیل، رفع این معضل در ایران پیچیده و مشکل می‌شود. در ایران به مجموعه این عوامل می‌توان بی‌ثباتی نرخ ارز، نرخ تورم و عوامل بیرونی مثل تهدیدات بین‌المللی در حوزه روابط خارجی را که می‌تواند به بی‌ثباتی در برخی حوزه‌ها از جمله تجارت دامن بزند اضافه کرد که به شکل مستقیم و غیرمستقیم به پدیده بیکاری



ارتباط می یابد. باتوجه به جمیع دلایلی که گفته شد، اثربخشی برخی موارد ذکر شده در ایران شدت بیشتری دارد، که از جمله می توان به کنترل حجم گسترده واردات اعم از قانونی و قاچاق اشاره کرد. گفته می شود دست کم کشور معادل صادرات نفت و فراورده های آن به علاوه صادرات غیرنفتی واردات دارد که اگر به آن حجم کالای قاچاق وارداتی نیز اضافه شود، این حجم واردات بسیار تعیین کننده می شود. بنابراین برای کنترل واردات، باید ظرفیت های تولید داخلی محاسبه شود و برای آن دسته از کالاها و خدمات که قابلیت تولید آن در داخل وجود دارد تدابیری اندیشیده شود که امکان واردات آن کالاها و خدمات غیراقتصادی شود. نقش سود بازرگانی و عوارض گمرکی برای ممانعت از ورود این کالاها از این دسته هستند. در این صورت، فضای تولید در کشور به واسطه تقاضای بالقوه فراهم شده و اشتغال و سرمایه گذاری در این حوزه ها رشد می کند. راهکارهای ممکن برای رفع این معضل به این شرح است:

۱. رقابت پذیر کردن تولید در کشور؛
  ۲. حذف رانت در اقتصاد؛
  ۳. تلاش در جهت تثبیت عوامل مؤثر در اقتصاد و سرمایه گذاری؛
  ۴. خروج از رکود؛
  ۵. افزایش قدرت خرید مصرف کننده؛
  ۶. آموزش متناسب با تکنولوژی های جدید به تولیدکننده؛
  ۷. کنترل مهاجرت بیکاران از کشورهای همسایه به داخل کشور؛
  ۸. حمایت از بنگاه های کسب و کار موجود؛
  ۹. طراحی و تنظیم برنامه جامع حمایت ها و مشوق های بیکاران؛
  ۱۰. برنامه ریزی و اقدام برای کمک به شناسایی خوشه های کسب و کار و حمایت از آنها و  
بستر سازی برای ایجاد و توسعه شبکه های کسب و کار با تأکید بر هلدینگ های کسب و کار؛
  ۱۱. بازنگری قانون ورشکستگی با بررسی دقیق و کارشناسانه (شاه آبادی، ۱۳۹۱: ۵۵).
- به نظر می رسد مشکل بیکاری در ایران، ویژگی چندوجهی دارد که اگر همه عوامل دست اندرکار در قالب سیاست واحد همراه با مسئولیت پذیری اجتماعی نتوانند آن را اجرا کنند، این پدیده شوم اجتماعی-اقتصادی جامعه ایران را ترک نخواهد کرد و طبیعتاً آثار نامطلوب اجتماعی آن دامن گیر جامعه خواهد شد.



## اقدامات لازم در جهت برقراری عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی به منظور از بین بردن فقر و ایجاد توازن و تعادل نسبی بین اقشار اجتماعی برقرار می‌شود. عامل عمده تعیین‌کننده عدالت درآمد و رفاه، تلاش صادقانه و مجدانه افراد خواهد بود و موقعیت‌ها و فرصت‌های یک‌سان در اختیار همه قرار خواهد گرفت تا افراد برحسب میزان تلاش و پشتکار خود، درآمد و رفاه داشته باشند و تفاوت ناشی از این امر، مسئله نامقبولی نخواهد بود. از طرف دیگر، مراعات عدالت و حقوق ضعفا و محرومان، باعث از بین رفتن فقر مطلق در جامعه خواهد شد؛ به طوری که کسی به خاطر رفع نکردن نیازهای اساسی اقتصادی، آسیب نبیند (دیریاز، ۱۳۸۰: ۱۵۲). اقداماتی که در حوزه اجرای عدالت اقتصادی باید صورت پذیرد به این قرار است.

### گسترش تأمین اجتماعی

سازمان تأمین اجتماعی وظیفه تحت پوشش قرار دادن مردم در حوزه‌های خدمات اجتماعی را دارد. این سازمان در تأمین نیازهای مردم در این حوزه کارایی پایین از خود نشان داده و موجبات نارضایتی مردم را فراهم کرده است. باید با تکیه بر سرمایه اجتماعی برخاسته از بدنه مدیریتی و کارشناسی سازمان، به اصلاح این سازمان پرداخت. اولویت‌های اصلاحی برای بهبود شرایط موجود در این سازمان به این شرح است (پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، آبان ۱۳۹۶: ۵۴-۵۵، دسترسی در: <http://rc.majlis.ir/fa/report/show/1037313>):

۱. اصلاح قوانین تأمین اجتماعی متناسب با تحولات جمعیتی؛
۲. اصلاح قوانین و مقررات تعهدآور و مغایر با اصول و قواعد بیمه‌ای؛
۳. اصلاح اساسنامه سازمان بر اساس نیازهای جدید و تنوع و پیچیدگی‌های ایجادشده در مخاطبان و روش‌های تأمین اجتماعی؛
۴. اصلاح سازکارهای اجرایی داخل صندوق در جهت بهبود عملکرد، کاهش هزینه‌ها، افزایش بازده سرمایه‌گذاری؛
۵. کاهش هزینه‌های اجرایی سازمان تأمین اجتماعی به منظور بهبود کارایی؛
۶. اصلاح نظام سرمایه‌گذاری در سازمان برای جلب اعتماد سیاست‌گذاران و ایجاد انگیزه به منظور سرمایه‌گذاری در پروژه‌های سازمان، سرمایه‌گذاری در سهام خارجی و پروژه‌های سودده؛

۷. جلوگیری از تصویب قوانین برای گسترش بازنشستگی پیش از موعد؛
۸. برقراری بیمه مکمل بازنشستگی.

### مبارزه با مفساد اقتصادی و رانت

فساد ناشی از وجود نابسامانی‌های اقتصادی از جمله شفاف نبودن امور مالی و پولی، نبود شفافیت در قوانین و نبود دولت الکترونیک است. به منظور کشف و پیگیری فساد اداری و مبارزه با آن پیشنهاد می‌شود ادارات جداگانه و مستقلی ایجاد شود. این ادارات نباید هیچ‌گونه وابستگی اداری و مالی به قوه مجریه و حتی اداره پلیس داشته باشند و باید کاملاً مستقل عمل کنند. دو دلیل مهم برای این اقدام وجود دارد: اولاً تخلفات اداری در برخی موارد بسیار پیچیده هستند و کشف آنها به تخصص‌های ویژه‌ای نیاز دارد. وجود اداره مستقل برای مبارزه با فساد، سبب انباشت تجربه و تخصص‌های مورد نیاز می‌شود و در نتیجه به مرور زمان کازایی این واحد در امر مبارزه با فساد افزایش می‌یابد؛ ثانیاً استقلال این ادارات جلوگیری از نفوذ مسئولان در تحقیقات آنها را خواهد گرفت (نیازپور، ۱۳۹۲: ۶۵-۷۵).

- هنجارمند کردن رفتارهای اقتصادی مردم با فرهنگ‌سازی و جامعه‌پذیر کردن هنجارهای درست اقتصادی مانند جلوگیری از رابطه‌بازی، احیای اخلاق و قانون‌گرایی؛
- پیشگیری جامعه‌مدار یا محیطی با تدابیر غیرکیفری؛
- افزایش هزینه‌های مادی و معنوی برای خاطیان و مجرمان اقتصادی؛
- بازنگری در اساسنامه‌ها و دستورالعمل‌های سازمان‌های نظارتی در راستای افزایش دامنه و دقت نظارت‌ها. برای این منظور مطابق بند گفته‌شده اقدام شود؛
- همکاری هدفمند و هوشمند همه نهادهای دولتی در راستای مبارزه با فساد؛
- گسترش دولت الکترونیک به منظور حذف عامل انسانی از مبادلات اقتصادی و الکترونیکی کردن تمام روندها و مبادلات اقتصادی؛
- شفافیت عملکرد مراجع تصمیم‌گیری و حذف نهادهای موازی؛
- افزایش قدرت مراجع قضایی و دادگاه‌های رسیدگی به جرایم مالی؛
- افزایش ضمانت اجرایی قوانینی مانند قانون پول‌شویی، قانون آزادی اطلاعات و قانون مبارزه با فساد اقتصادی؛

- طراحی و تنظیم الگوی ملی شفافیت اقتصادی در راستای حذف رانت خواری و ویژه خواری در کسب و کارها و امیدآفرینی برای کارآفرینان جوان.

### اقدامات لازم در جهت افزایش مقاومت اقتصادی

در اقتصاد ایران مجموعه‌ای از همه الزامات و راهبردهای مورد اشاره در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، باید هم‌زمان و متناسب با موارد مختلف به کار گرفته شود تا توان مقاومت اقتصاد داخلی در مقابله با تحریم‌ها افزایش یابد. این امر علاوه بر اینکه امکان تداوم حیات معمول اقتصادی در شرایط تحریم را فراهم می‌کند، تحریم‌کنندگان را از وضع تحریم‌های بیشتر در بلندمدت ناامید می‌سازد. علاوه بر این، به‌طور بالقوه می‌تواند امکان تبدیل تهدید ناشی از تحریم‌های اقتصادی به فرصت نسبی افزایش توان اقتصاد داخلی را فراهم سازد. در شرایط تحریم اقتصادی استفاده از نهادها و ابزارهای غیرمعارف مالی و اقتصادی، راه‌گشای بسیاری از محدودیت‌های ناشی از تحریم است. بنابراین برخی راهکارهای کوتاه‌مدت مقابله با کانال‌های اثرگذاری تحریم اقتصادی در فضای کسب و کار کشور به این قرار است. فهرست این راهکارها به دو بخش کلان و خرد تقسیم می‌شود. در بخش کلان، به راهکارهایی اشاره می‌شود که نیازمند به‌کارگیری سیاست‌ها و خط‌مشی‌های ملی جهت حل این مشکل است. راهکارهای خرد به سطح کسب و کار شرکت محدود می‌شود و اجرای آن از طریق بنگاه‌های اقتصادی امکان‌پذیر خواهد بود.

### راهکارهای کلان مدیریت تحریم‌ها

راهکارهای کلان مبارزه با فشارهای تحریم اقتصادی ضد ایران به این قرار است:

۱. توسعه همکاری با کشورهای همسایه؛
۲. ایجاد بیمه بین‌المللی تجارت و دریانوردی؛
۳. ایجاد و توسعه کلپ P&I اسلامی؛
۴. مبادلات تجاری با واحد پول‌های طرفین؛
۵. مبادلات تهاتری؛
۶. راه‌اندازی بورس نفت؛





۷. صندوق بین‌المللی بر پایه مواد معدنی (پیغامی، ۱۳۹۳: ۳۶۵-۳۷۱). در این بخش راهکارهای سطح شرکتی به سه دسته راهکارهای عمومی، بازرگانی و مالی تقسیم، و موارد مرتبط با آن تشریح خواهد شد (پیغامی، ۱۳۹۳: ۳۷۵-۳۷۶).

## الف) راهکارهای عمومی

حوزه اثرگذاری تحریم‌ها بر فعالیت شرکت گسترده، و بر هزینه پروژه‌ها، مدت‌زمان تکمیل و کیفیت آنها مؤثر است. راهکارهای مدیریت تحریم‌ها غالباً موقتی است و تصمیم‌گیری سریع و صحیحی را می‌طلبد. سیاست‌های بازاریابی باید به گونه‌ای تدوین شود که از پتانسیل‌ها و مشکل‌های منطقه‌ای استفاده بیشتری شود. استفاده از شرایط بازارهای امارات، مالزی، ترکیه و چین بخشی از فشارهای ناشی از تحریم‌ها را می‌کاهد و تأمین نیازهای مرتبط با پروژه‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد.

ثبت شرکت در خارج از کشور و اداره بخشی از دارایی‌ها تحت قلمروهای حقوقی مختلف موجب ریسک در حوزه‌های مختلف و به‌ویژه ریسک‌های حقوقی می‌شود. در مواجهه با این وضعیت، اولین راه‌حل برای کاهش و کنترل این ریسک توسط شرکت‌های چندملیتی به‌کار گرفته شده است. این شرکت‌ها با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای گوناگون، سعی در محدود کردن و به حداقل رساندن مسئولیت خود در کشورهای خارجی داشته‌اند. آنچه در این بین شایان ذکر است اکتفا نکردن به راهکارهای صرفاً حقوقی در جهت کاهش و مدیریت ریسک مسئولیت است. نگاهی به تجربه حضور شرکت‌های چندملیتی در کشورهای مختلف، بیانگر برنامه‌ریزی منعطف و طراحی پویای این شرکت‌ها در مواجهه با این قبیل ریسک‌هاست؛ به‌نحوی که بر اساس شرایط کشور، اقدام به استفاده از مجموعه‌ای از راهکارهای حقوقی- قراردادی، مالی و مدیریتی می‌کنند.

در همین راستا یکی از مدل‌های رایج استفاده‌شده در شرکت‌های بین‌المللی، مدلی است که در آن شرکت مادر برای حضور در پروژه خارج از قلمرو حقوقی متبوع خود، از طریق تأسیس شرکت با مسئولیت محدود در قلمرو حقوقی هدف، قرارداد پروژه را به طرفیت آن شرکت که دارای شخصیت حقوقی مستقل از شرکت مادر بوده و لذا مسئولیت حقوقی مستقلی نیز خواهد داشت منعقد می‌کند. این نحوه حضور در پروژه‌های خارجی رابطه شرکت مادر

با کارفرمای خارجی را به گونه‌ای تعریف می‌کند که در قبال اقدامات شرکت فرعی طرف قرارداد، مسئولیت مطلق نداشته باشد و ریسک مسئولیت حقوقی خود را در قبال پروژه در حد اموال و دارایی‌های آن شرکت فرعی کاهش دهد. به هر ترتیب این تجربه بر اساس قاعده‌ای در حقوق شرکت‌ها بنا شده است که تحت عنوان پوشش شرکتی، سهامداران شرکت با مسئولیت محدود را از همه مسئولیت‌های قراردادی و خارج از قرارداد شرکت مصون می‌کند و مسئولیت آنها را تنها به میزان قیمت اسمی سهام شرکت کاهش می‌دهد. هرچند در حقوق داخلی کشورها این قاعده مستثنیاتی دارد که از آنها تحت عنوان موارد نقض پوشش شرکتی یاد می‌شود، در مجموع می‌توان از این راهکار به‌عنوان راهکار حقوقی-مالی استفاده شده در شرکت‌های چندملیتی نام برد. راهکارهای پیشنهادی این حوزه به این شرح است: یک. امکان استفاده از پوشش شرکتی؛ دو. طراحی سهام بی‌نام؛<sup>۱</sup> سه. استفاده از مکانیسم «یک شناور-یک شرکت»؛<sup>۲</sup> چهار. استفاده از سازکار ثبت شرکت در حوزه‌های دورکران؛<sup>۳</sup> پنج. استفاده از الگوی سپر بلا؛<sup>۴</sup> شش. استفاده از نهاد حقوقی تراست؛<sup>۵</sup> هفت. استفاده از مکانیسم مدیران اسمی؛<sup>۶</sup> هشت. مدل شرکت‌های شبکه‌ای.

### ب) راهکارهای بازرگانی

راهکارهای بازرگانی برای مقابله با تحریم‌ها به این قرار است: تشکیل کمیته‌ای تخصصی جهت تولید تجهیزات موردنیاز در داخل کشور، تفکیک تجهیزات درخواست شده به اجزای ریزتر و پیکربندی آنها در داخل کشور، انتقال کالا به کشورهای مختلف و پنهان کردن مصرف‌کننده اصلی، دریافت گارانتی‌ها و تضامین توسط شرکت واسطه‌ای و اخذ تضامین معتبر از شرکت واسط، توجه دریافت تجهیزات موردنیاز به دلایل زیست محیطی، سفارش کالا و تجهیزات موردنیاز از طریق شرکت‌های همکار در کنسرسیوم‌های بین‌المللی، مذاکره با شرکت‌های فروشنده جهت دور زدن تحریم‌ها (همان: ۳۸۳-۳۸۷).

---

1. Bearer Share.  
2. One Vessel, One Company.  
3. Offshore Jurisdictions.  
4. Harm & Loss Shield.  
5. Trust.  
6. Nominee Director.



## ج) راهکارهای مالی

دریافت درآمدهای ارزی در خارج از کشور، خرید صرافی و مبادله از طریق بانک‌های خصوصی راهکارهای مالی‌اند.

### توسعه صادرات محصولات دانش‌بنیان

در حوزه اقتصاد بین‌الملل عامل اصلی تقویت و پیشتازی اقتصاد کشور بسته به میزان رشد و توسعه اقتصاد دانش‌بنیان آن کشور است. ارزش افزوده علوم مدرن و پیچیده نسبت به سایر صنایع و علوم، میزان بالایی دارد. علاوه بر آن حوزه دانش و تکنولوژی امری انحصاری در اختیار دارندگان آن است. بنابراین هر اندازه کشور در حوزه مؤسسات و شرکت‌های دانش‌بنیان توسعه یابد، به همان میزان به استحکام درونی اقتصاد دست خواهد یافت. راهکارهای موجود برای توسعه صادرات محصولات دانش‌بنیان به این شرح است:

الف) کریدور خدمات صادرات محصولات دانش‌بنیان؛

ب) حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی؛

ج) ارتقای حمایت‌های مالی از شرکت‌های دانش‌بنیان؛

د) تشکیل شرکت‌های واسطه‌ای مدیریت صادرات محصولات دانش‌بنیان؛

ه) فرهنگ‌سازی توسعه صادرات محصولات دانش‌بنیان؛

و) ایجاد زیرساخت‌های اطلاعاتی توسعه صادرات محصولات دانش‌بنیان؛

ز) فراهم آوردن شرایط حمایت‌های ایده تا عمل (تولید محصول و خدمات) (ر. ک.

قاضی نوری، ۱۳۹۱).

### دیپلماسی اقتصادی (تجاری)

جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت ممتاز جغرافیایی و توانایی‌های بالای اقتصادی به‌ویژه مزیت‌های متنوع بالقوه تجاری، قابلیت‌های بالایی در منطقه دارد. با این اوصاف و با وجود این ظرفیت‌ها، به‌رغم تلاش‌های مؤثری که انجام شده، به دلیل فقدان برنامه راهبردی تجاری منطقه‌ای مناسب و عملاً عدم اعمال راهبرد مقتضی بازرگانی، همواره از این حیث در رنج بوده است. بیشتر صاحب‌نظران معتقدند پیشرفت روابط بازرگانی با توجه به توانایی‌های ملی ایران

در آینده کفه را به سود جمهوری اسلامی ایران سنگین خواهد کرد. پس لازم است با توجه به مزیت‌های تجاری کشور، کارگزاران سیاست‌های تجاری محصولات مورد نیاز کشورهای مزبور را شناسایی کنند. در این باره به مواردی از قبیل صنایع غذایی، محصولات کشاورزی، مواد معدنی و نیروی انسانی و خدمات می‌توان اشاره کرد. استفاده از ظرفیت‌های دستگاه دیپلماسی در جهت ایجاد زمینه‌های اقتصادی در کشورهای دیگر باید از وظایف اصلی وزارت امور خارجه کشور قرار گیرد. امروزه وظایف دیپلمات‌ها در دنیا منحصر در اقدامات سیاسی نیست، بلکه مهم‌ترین بخش آن را اقدامات اقتصادی تشکیل می‌دهد (سمیعی‌نسب، ۱۳۹۳: ۱۳۲). اقداماتی که باید در این جهت صورت پذیرد به این شرح است:

۱. حمایت از نیروی کار ایرانی به صورت بین‌المللی با رویکرد حمایت‌های حقوقی و بیمه‌ای از آنان و پیگیری و اجرای «طرح مبادله سوابق بیمه‌ای نیروی کار ایرانی به صورت بین‌المللی» و سایر طرح‌های مرتبط در این زمینه. به استناد مستندات موجود، یکی از تهدیدهای نیروی کار خارج از کشور، نبود حمایت و تأمین از سوی صندوق‌های بیمه‌گر داخلی است؛

۲. بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیپلماسی منطقه‌ای و تقویت تعامل اقتصادی با کشورهای همسایه؛

۳. حضور گسترده در بازارهای کشورهای همسایه با جمعیت حدود پانصد میلیون نفر؛

۴. بهره‌برداری از موقعیت ژئواکونومیکی ایران؛

۵. هماهنگی بین بخش‌های دیپلماسی و بخش اقتصادی کشور؛

۶. رویکرد افزایش توان رقابت بنگاه‌های اقتصادی با کسب و کارهای بین‌المللی در راستای

بسترسازی برای عضویت ایران در سازمان‌های بازرگانی جهانی؛

۷. تعامل نزدیک و هدفمند با سازمان بین‌المللی کار و بهره‌گیری از تجارب و ظرفیت‌های

این سازمان.



## نتیجه‌گیری

ساختارها و سازکارها و قوانین غلط اقتصادی منجر به شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی در کشور شده است. از طرفی منازعه ایدئولوژیک بین انقلاب اسلامی و کشورهای متخاصم منجر به شکل‌گیری جنگ اقتصادی ضد ایران شده است. مهم‌ترین مسئله در این حوزه ارتباط تنگاتنگ عمق و شدت مشکلات اقتصاد داخلی با تأثیرگذاری تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی خارجی است. بنابراین تنها راه برون‌رفت از شرایط فعلی، محکم کردن اقتصاد داخلی است. در این مقاله تلاش شد به مدل‌سازی سیاست‌گذاری اقتصادی بر اساس نظریه بریگاگلیو پرداخته شود.

## منابع

### کتاب

- بازمحمدی، حسین و اکبر چشمی (۱۳۸۵). اندازه دولت در اقتصاد ایران، تهران، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی بانک مرکزی ج.ا.ا، ش ۲۹.
- پیغامی، عادل و همکاران (۱۳۹۳). درس‌گفتارهای اقتصاد مقاومتی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع).
- حرانی، حسن بن علی (۱۳۸۲). تحف العقول، ترجمه صادق حسن‌زاده، قم، نشر آل علی.
- دپویی، گزایوه (۱۳۷۴). فرهنگ و توسعه، ترجمه فاطمه فراهانی و عبدالحمید زرین‌قلم، تهران، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران.
- عظیمی، حسین (۱۳۸۵). مدارهای توسعه‌نیافتگی در اقتصاد ایران، تهران، نشر نی.
- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۷). میزان الحکمه، قم، مؤسسه دار الحدیث.
- مصلی‌نژاد، غلامعباس (۱۳۸۴). آسیب‌شناسی توسعه اقتصادی در ایران، تهران، نشر قومس.

## نشریات

- یدالله‌زاده طبری، ناصرعلی و حمیدرضا برادران شرکاء (تابستان ۱۳۹۰). «اثر هدف‌گذاری تورم بر عملکرد اقتصاد کلان: تورم و رشد تولید»، ش ۹۵.
- شاه‌آبادی، ابوالفضل و زهرا خانی (تابستان ۱۳۹۱). «بررسی رابطه علی بهره‌وری کل عوامل و نرخ بیکاری در اقتصاد ایران»، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، س ۲، ش ۷.

- خلیلیان اشکذری، محمدجمال (بهار و تابستان ۱۳۸۹). «مبانی مصرف جامعه اسلامی و راهکارهای اصلاح آن»، مجله معرفت اقتصادی، ش ۲.
- ابونوری، عباس علی و همکاران (پاییز ۱۳۹۲). «رابطه بین نرخ تورم و نرخ سود سپرده‌های بانکی در سیستم بانکداری ایران»، نشریه سیاست‌های مالی و اقتصادی، س ۱، ش ۳.
- باصری، بیژن و همکاران (۱۳۹۰). «تحلیل تطبیقی نقش مؤلفه‌های اقتصاد دانش محور بر رشد اقتصادی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، س ۱۶، ش ۴۷.
- معاونت پژوهش‌های اجتماعی فرهنگی (آبان ۱۳۹۶). بررسی وضعیت سازمان تأمین اجتماعی و ضرورت اصلاحات بنیادی در آن (علل و اقدامات فوری موردنیاز)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، <http://rc.majlis.ir/fa/report/show/1037313>.
- پرچم، اعظم و سهیلا بوجاری (تابستان ۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی ارزش و جایگاه کار در اسلام و یهود»، نشریه معرفت ادیان، ش ۳.
- تاری، فتح‌الله و سعید غلامی باغی (بهار ۱۳۸۶). «سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و فضای کسب‌وکار با تمرکز بر تجارت»، نشریه مجلس و راهبرد، ش ۵۴.
- دادگر، یدالله و همکاران (بهار ۱۳۹۲). «دولت و مالیات بهینه در اقتصاد بخش عمومی و کارکرد دولت و مالیات در ایران»، نشریه مطالعات اقتصادی کاربردی در ایران، ش ۵.
- دیریاز، عسگر (۱۳۸۰). «عدالت اقتصادی در کلام و سیره علی(ع)»، نشریه حوزه و دانشگاه، ش ۲۷.
- سمیعی‌نسب، مصطفی (زمستان ۱۳۹۳). «دیپلماسی اقتصادی: راهبرد مقابله با تحریم‌های اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی»، نشریه آفاق امنیت، ش ۲۵.
- سیدی، فرانک و محمدرحیم بیرقی (پاییز و زمستان ۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی روابط اجتماعی سبک زندگی دینی و سبک زندگی مدرن با تأکید بر جامعه ایران»، پژوهش دینی، ش ۲.
- شاکری، عباس و همکاران (تابستان ۱۳۹۵). «مبانی نظری و محاسبه شاخص آسیب‌پذیری نفت برای کشورهای صادرکننده نفت (مطالعه موردی ایران)»، نشریه پژوهشنامه اقتصاد انرژی ایران، ش ۱۹.
- شایگانی، بیبا و لیلا داداشی (بهار ۱۳۹۴). «بررسی اثر گسترش بانکداری الکترونیکی بر کاهش هزینه‌های بانک‌ها (منتخبی از بانک‌های خصوصی)»، ش ۱۳.
- شقاقی، سحر (۱۳۸۵). «انضباط مالی کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی منابع»، نشریه برنامه اقتصادی، ش ۱۹۲.
- شیرانی، علیرضا (بهار و تابستان ۱۳۸۳). «آسیب‌شناسی اداری نظام بانکی کشور: مشکلات و راهکارها»، فصلنامه مطالعات مدیریت، ش ۴۱ و ۴۲.



- طیبی، کمیل (۱۳۹۳). «انضباط مالی ابزاری برای مقابله با رکود و بحران»، نشریه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی، س ۱۵، ش ۷۰.
- کیانی زاده، میثم و علیرضا گلشنی (پاییز ۱۳۹۵). «شناسایی ویژگی های شخصیتی سیاست گزاران عمومی مبتنی بر مدیریت جهادی»، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، س ۱۹، ش ۷۲.
- موسویان، سیدعباس و حسین میسمی (تابستان ۱۳۹۳). «آسیب شناسی نظارت شرعی در نظام بانکی ایران و ارائه اصلاح های قانونی»، مجله اقتصاد اسلامی، ش ۵۴.
- ناظمیان، حمید و علیرضا اسلامی فر (تابستان ۱۳۸۹). «اقتصاد دانشی هند؛ الگویی برای توسعه پایدار در ایران»، فصلنامه مطالعات شبه قاره، س ۲، ش ۳.
- نیازپور، امیرحسین (پاییز ۱۳۹۲). «پیشگیری از فساد اداری مالی در پرتو آیین نامه پیشگیری و مقابله نظام مند و پایدار با مفساد اقتصادی در قوه مجریه»، راهبرد، س ۲۴، ش ۷۶.
- یوسفی نژاد، علی (۱۳۸۲). «فرهنگ، توسعه و دین، الزامها و ضرورت های پیش رو»، فصلنامه اقتصاد اسلامی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۱۲.
- یوسفی، احمدعلی (زمستان ۱۳۸۷). «اهداف اقتصادی حکومت اسلامی»، نشریه حکومت اسلامی، س ۱۳، ش ۵۰.

### منابع انگلیسی

- Briguglio, Lino and Stephan Piccinino (2011). "Growth and Resilience in east Asia, and the Impact of the 2009 Global Recession", Economics Department, University of Malta, Msida, MSD 2080, Malta. 30 Sep. 2011.
- Briguglio, L.; Cordina, G.; Bugeja' S.; and Farrugia, N. (2005), "Economic Vulnerability and Resilience: Concepts and Measurements", Oxford Development Studies, vol.37, no.3, p. 229-247.
- Briguglio, Lino; cordina, Gordon; bugeja, Stephanie; farrugia, Nadia (2008). Conceptualizing and Measuring Economic Resilience; Economics Department, University of Malta.
- Aiginger, Karl (2016). "Making ambitious green goals compatible with economic, dynamics by a strategic approach", WWForEurope Policy Paper (30). Retrieved 25 August 2016.



## سایت‌های اینترنتی

- <http://www.cbi.ir/simplelist/3484.aspx>

- <http://www.cbi.ir/simplelist/2054.aspx>

